

مدرسه تابستانی
کتاب مقدس

نجات یافتگان جنگل

جایگاه ما نزد عیسی مسیح کجاست

مجمع باتک VBS



«نجات یافتگان جنگل»

جایگاه ما نزد عیسی مسیح کجاست

با همکاری

(مدرسه تابستانی کتاب مقدس)

یک **VBS** جدید دیگر از گروه «بچه ها مهم هستند»

وبسایت:

WWW.CHILDRENAREIMPORTANT.COM/JUNGLE/

با تشکر از تمام اعضای تیم «بچه ها مهم هستند»!

سردبیر: کریستینا کراس

اعضای گروه امور خلاقانه: دوایت کراس، فلور بولدو، جنیفر سانچز نیتو، جولی سانچز نیتو، مایک کانز، مونسرات دوران دیاز، سوکی کانگاس، ورونیکا توی و ویکی کانگاس.

با تشکر از مایکل کانز و جاشوا مندوزا به پاس نوشتن آهنگ جدید برای برنامه VBS.

تیم ترجمه: علی عطا، آلیان خاویر، انوپاما ونشده، انتشارات آروماتیک، بلسمیا جیندر، برسی یعقوب، کارلا میومی، دیوید راجو، ابراهیم نیگورا میروبی، فانی یعقوب، یعقوب کروویلا، جیندر سینگ، مارکوس روچا، متیو داس، نسام بوتائی، پل موانگی، پل سپتن، روبینا رای، سابرینا بنینی جان و همچنین.



به برنامه «نجات یافتگان جنگل» خوش آمدید!



دوربین شکار و سایر وسایل سفر خود را بردارید و سوار جیب خود شوید، زمان رفتن به جنگل VBS فرا رسیده است. دنیای اطراف ما شبیه به یک جنگل است، جایی که می توانیم در آن درس بقا و چگونه زنده ماندن، بگیریم حتی با وجود اینکه دیگران تلاش می کنند که آن را دستکاری کرده و یا به غارت ببرند. با این وجود اگر بدانیم که جایگاه ما در کتاب عیسی مسیح کجاست، می توانیم از نجات خود از این جنگل پر رمز و راز مطمئن باشیم.

«بنابراین از آنجایی که اطراف ما را حجم عظیمی از شاهدان در برگرفته است، به ما اجازه دهید که تمامی موانع و گناهی که به آسانی انسان را به دام می اندازد، را کنار بزنیم تا با استقامت هر چه بیشتر نشان دهیم که معقوله نژاد از دیدگاه ما بسیار متفاوت است» کتاب عبرانیان 1:12

همانطور که از موضوع بحث نیز مشخص است، ما توسط انسان هایی که پیش از ما رفته اند، مورد الهام قرار می گیریم بنابراین می توانیم با اعتماد به نفس کامل بر تمام ترس ها، گناهان و حملات غلبه کنیم و آن ها را به تسخیر خود در آوریم. در این VBS ما به طور عمیق در جنگل زندگی به ماجراجویی می پردازیم اما با این ذهنیت که جزیی از خانواده خداوند هستیم و با احساس شجاعت، مهربانی، رضایت و قدرت از آن خارج می شویم.

مانند همیشه، می توانید به دانش آموزان اجازه دهید که تمامی فعالیت ها را با کمک یکدیگر انجام دهند یا اینکه آن ها را به چند دسته تقسیم کنید و فعالیت ها را بین آن ها تقسیم کنید. می توانید از میان وعده های متداول استفاده کنید و یا با توجه به درس هر روز از میان وعده مشخصی استفاده کنید. درست کردن کاردستی نیز بسیار سرگرم کننده خواهد بود به این دلیل که کودکان به ساخت کاردستی حیوانات بسیار علاقه مند هستند و ما در این کلاس ها به ساخت کاردستی حیواناتی می پردازیم که در «ماجراهای بوگلی» با آن ها آشنا شدیم. در نظر داشته باشید که هر ایستگاه دارای یک نام سرگرم کننده است. درس های روزانه کتاب مقدس دارای 5 نقاشی است که دانش آموزان باید آن ها را ترسیم کنند و از ترفندهای جنگل که در کتاب های دانش آموزی آن ها ذکر شده است، بسیار لذت خواهند برد. استفاده از تم جنگل، VBS را سرگرم کننده، هیجان انگیز و بسیار خلاقانه می کند.

VBS «بقا در جنگل» برای کمک به دانش آموزان گردآوری شده است، تا به آن ها یاد بدهیم که جایگاه خود را در کتاب مقدس پیدا کنند، با وجود تمام حملات و آسیب هایی که از جهان اطراف به آن ها وارد می شود. در Delilah، در مورد کسانی که سعی می کنند تا ما را تغییر بدهند و در ما نفوذ کنند، در Achan، در مورد کسانی که سعی در دزدی دارند و در Gehazi، در مورد کسانی که سعی می کنند تا منافع و مزایا را به سمت خود منعطف کنند، درس های بسیاری خواهیم آموخت. هم زمان با این اقدامات، یاد می گیریم که قدرتمند، رضایتمند، مهربان و شجاع باشیم تا از این طریق به یکی از اعضای خانواده خداوند تبدیل شویم. در روز چهارم، فرصت ویژه ای بدست خواهید آورد تا کودکان را به سوی اهدای قلب و زندگیشان به عیسی مسیح، هدایت کنید.

می توانید با در نظر گرفتن و بکار بردن این برنامه، به عنوان یک برنامه «زندگی بخش» به آن رنگ و بویی متفاوت بدهید، برنامه ای که می توانید در آن به طور زنده به رقابتی تنگاتنگ پردازید تا ببینید در نهایت چه کسی برنده میدان شده، نجات می یابد و بسیار خوب بازی می کند. می توانید از فناوری های بیشتری در VBS خود استفاده کنید، تمام فناوری هایی که کلیسای شما به آن نیاز دارید.

آیا در فصل تعطیلات آماده یک سفر عمیق به جنگل هستید؟ ماجراهایی بسیاری در VBS جدید «بقا در جنگل» در انتظار شماست.

Kristin France

کریستینا کراس

ویرایشگر: گروه «کودکان مهم هستند»





چگونه از امکانات اولیه استفاده کنیم

دعوتنامه

کلیساهای بسیاری علاقه مند به دعوت از مردم جوامع خود به دانشکده ی «کتاب مقدس» می باشند. یکی از متداول ترین شیوه های دعوت کردن مردم، زدن پوستر در سطح شهر، مغازه ها و اماکن عمومی است. همچنین می توانید به یک منطقه پر رفت و آمد رفته و آگهی دعوتنامه خود را در آنجا پخش کنید. به همین منظور، ما پوسترها و اعلامیه های مربوطه را ایجاد کرده ایم. این منابع تبلیغاتی از وبسایت ما قابل دانلود هستند و می توانید آن ها را به راحتی پرینت کنید. یک ایده خوب دیگر برای دعوت کردن مردم این است که یک تیم از افراد با لباس های جنگل (لباس حیوانات جنگل) درست کنید و از آن ها بخواهید که به خیابان های اصلی بروند و با شکلات دعوتنامه ها را بین مردم پخش کنند. بعضی از کلیساها برای این منظور از ماشین های تزئین شده نیز استفاده می کنند. لوگوی اصلی، المان های گرافیکی و تمام چیزهایی که برای دعوتنامه به آن نیاز دارید شامل دعوتنامه ها، کارت پستال ها، تی شرت های چاپ شده، آگهی ها و غیره... همه و همه در وبسایت ما به صورت رایگان در دسترس است. فراموش نکنید که بچه ها باید با انجیل آشنا شوند و VBS بهترین فرصت برای انجام این کار است.

استخدام

به شما توصیه می کنیم که برای انجام هر کاری در VBS خود، تعدادی داوطلب استخدام کنید تا از همان ابتدا به ترویج VBS خود بپردازید، بنابراین از این طریق می توانید افراد بیشتری را منتظر رویداد بزرگ خود نمایید. زمانی که می خواهید تعدادی داوطلب استخدام کنید به شما پیشنهاد می دهیم که ابتدا لیستی از شغل های مورد نیاز خود تهیه کنید، سپس به این فکر کنید که هر شخصی برای چه شغلی مناسب است. با یک «پیشنهاد ویژه» آن ها را به شغلی که در نظر دارید علاقه مند سازید. فکر خوبی است که به آن ها نشان دهید که دیگر اعضای تیم نیز به صورت داوطلبانه حضور به عمل آورده اند. شرکت در یک VBS راه بسیار خوبی است تا نشان دهید که چقدر ارگان های دولتی می توانند برای کودکان، سرگرم کننده واقع شوند. نیاز نیست که تمام افراد داوطلب لزوماً معلم باشند. ما برای پیش بردن نسل بعدی خود به تمام اعضای بدن مسیح نیاز داریم!

تیم ها

رقابت می تواند جالبترین بخش VBS شما باشد، اما در نظر داشته باشید که این گزینه اختیاری است. برای داشتن یک تیم با کیفیت، باید افراد در سنین مختلف را گروه بندی کنید. می توانید برای هر گروه رنگ یا نام خاصی را در نظر بگیرید، ایده این است که نام گروه ها الهام بخش کلمه «نجات یافته» باشد و افراد هم سن و سال در گروه های جداگانه قرار می گیرند اما در عین حال تمامی گروه ها در تمامی سنین به طور همزمان با یکدیگر در تعامل هستند.

برای هر تیم یک سرگروه انتخاب کنید، کسی که بتواند تیم را هدایت کند و آن ها را به حرکت و جنبش وادارد. هر روز، بعد از اینکه افراد حضور به عمل آوردند، 15 الی 13 دقیقه را برای آماده سازی، انرژی دادن و حتی برای پیاده

روی اختصاص دهید. دانش آموزان می توانند با یکدیگر نماز بخوانند و به برنامه ریزی استراتژیک «چگونه موفق شدن» بپردازند. پیشنهاد می کنیم که این گروه ها با یکدیگر در سالن اصلی قرار بگذارند، هر تیم در یک گوشه از سالن جلسه مربوط به خودشان را برگزار کند. از این طریق، می توانید در عین حال که خود را آماده می کنید، به صحبت گروه های دیگر نیز گوش دهید و این دور هم جمع شدن فضا را هیجان انگیزتر می کند. آسانترین شیوه برای نکته برداری «بازی مارش» است، البته می توانید از لیدرها و رهبران خود بخواهید که از نقطه نظرات مفید بچه ها نکته برداری کنند و بچه هایی که بتوانند به اعضای گروه خود کمک کنند به عنوان پاداش امتیاز اضافی خواهند گرفت.

در روز اول، افراد را به تیم های مختلف تقسیم کنید و یک نام برای هر تیم انتخاب کنید. برای اینکه نام همه بچه ها را به خاطر بسپارید یک بازی راه بیاندازید. در روز دوم، یک جک یاد بگیرید، یا با اعضای گروهتان یک آواز بخوانید. در روز سوم، یک پرچم یا پوستر برای تکان دادن در روز جمعه تهیه کنند. در روز چهارم، برای سخنرانی روز آخر خود را آماده کنید. این سخنرانی باید شامل موارد تشویقی، یک پرچم تزئینی و خوشامدگویی به عموم باشد. در روز آخر هر گروه می تواند به صحنه برود و اعضای تیم خود را به همراه پرچم خودشان و خوشامدگویی به کل گروه، معرفی نماید. بعد از آنکه عملکرد گروه ها را مشاهده کردید، به مقایسه آن ها بپردازید و نام تیم برنده را به همراه نکات مثبت آن ها در طول هفته، اعلام کنید.

پیشنهاد برای نام گروه ها: آمازونی ها، نجات یافتگان، ماجراجویان، هدایتگران و یا کاوشگران.

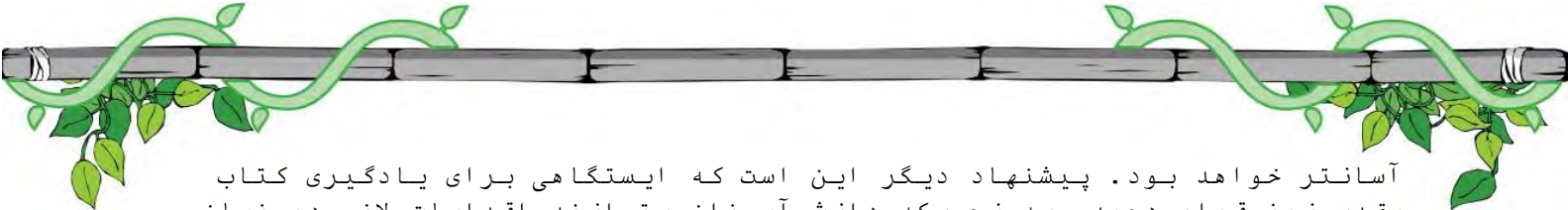
برای تیمی که در نهایت در آخر هفته به عنوان تیم برنده اعلام می شود، پاداشی در نظر بگیرید.

سیستم چرخشی

می توانید از VBS خود به هر نحویکه دوست دارید استفاده کنید، اما پیشنهاد می شود که از یک سیستم چرخشی با سه ایستگاه و به صورت همزمان استفاده کنیم، یعنی بهتر است بچه های خود را به سه گروه تقسیم کرده و در این VBS، سه ایستگاه با نام های «کلاس غار»، «کتاب مقدس هدایت بخش» و «کاردستی های آبخاری» در نظر گرفته شده است. هر ایستگاه 20 الی 40 دقیقه به طول می انجامد و هر ایستگاه سه بار تکرار می شود بنابراین هر گروه در طول روز یکبار به سراغ هر ایستگاه می رود. آسانترین راه برای تقسیم بندی بچه ها، تفکیک آن ها بر اساس سن است که می تواند به این شیوه باشد:

- «آسان» 4-6 سال
- «متوسط» 7-9 سال
- «سخت» 10-12 سال

اما همزمان که در حال تقسیم بندی اعضا به گروه های مختلف هستید، می توانید از آن ها استفاده هم کنید. پیشنهاد می کنیم که از نوجوانان (بالای 13 سال) به عنوان متصدیان VBS استفاده کنید. هرچند که کتاب دانش آموز «سخت» می تواند برای سنین بالا نیز جذاب باشد. روش موردعلاقه ما برای چرخیدن دور ایستگاه ها، گذاشتن یک موزیک در هنگام چرخیدن است، زیرا از این طریق انرژی زیادی از طریق چرخیدن دانش آموزان بوجود می آید. ایستگاه های «بازی مارش» و ایستگاه میان وعده «رستوران های گرمسیری» را نیز به شما پیشنهاد می کنیم، زیرا اینکار با وجود تمامی دانش آموزان بسیار



آسانتر خواهد بود. پیشنهاد دیگر این است که ایستگاهی برای یادگیری کتاب مقدس نیز قرار دهید، به نحویکه دانش آموزان بتوانند اقدامات لازم در زمان آواز خواندن را فرا بگیرند. پس از این طریق شما 6 ایستگاه خواهید داشت که می توانید آن را به دو گروه 3 ایستگاه تقسیم بندی کنید. البته می توانید با توجه به علایق خودتان ایستگاه ها را تغییر دهید.

جدول برنامه (3-5 ساعت) مراسم افتتاحیه

- موزیک
- مقدمه
- درام

گروه ها

فعالیت های روزانه (15-30 دقیقه)

سیستم چرخشی (گروه ها) (15-30 برای هر کدام)

- کلاس غار
- کتاب مقدس هدایت شونده
- صنایع دستی
- بازی ها (30-45 دقیقه)
- میان وعده (15-30 دقیقه)
- اتمام کار (15-30 دقیقه)
- موزیک
- اطلاعیه و بسته شدن

نمایش

درام یا نمایش یک شیوه ای سرگرم کننده و جذاب برای معرفی دروس در هر روز است، که از طریق آن می توان به دانش آموزان کمک کرد تا آنچه را که یاد می گیرند در زندگی روزانه خود بکار گیرند. پیشنهاد می کنیم که از بازیگرهای یکسان استفاده کنید و نقش آن ها در طول نمایش ها ثابت بماند تا در ذهن افراد جا بیافتند. بازیگران می توانند از ایستگاه ها برای خوشامدگویی به دانش آموزان، بازدید نمایند و در طول روز با آن ها عکس سلفی بگیرند. در این نمایش ها، به عنوان مثال در حالی که «بوگلی» تلاش می کند تا خود را به مدرسه برساند، حیوانات جنگل سعی می کنند که او را تشویق یا از مسیر باز دارند. بوگلی در مورد معلم اش صحبت می کند، اما شما آن را نمی بینید. حمله حیوانات به بوگلی می بایست شبیه سازی اتفاقات ناگواری باشد که ممکن است دانش آموزان در کلیسا با آن ها برخورد کنند. برای سرگرمی بیشتر، از یک تلفن همراه و اپلیکیشن هایی مانند فیس بوک، واتس اپ، یوتیوب یا گرفتن تصاویر سلفی استفاده کرده ایم. استفاده از تکنولوژی در جنگل بسیار جذاب خواهد بود. به عنوان سرگرمی بیشتر، به عنوان مثال بوگلی یک وعده صبحانه موردعلاقه خود را دارد که هر روز می خورد. شما می توانید این صبحانه را از غذاهای محیط خود تهیه کنید. خودروی جیب مقوایی، تخت خوابی است که بوگلی هر شب بر روی آن می خوابد. این نمایش ها چگونه ای است که هر روز یک پسر (بوگلی) و دو حیوان در آن نقش ایفا می کنند. دو بازیگر شما می توانند هر روز نقش حیوانات متفاوتی را بازی کنند و از ماسک های ساده ای به عنوان پوشش خود استفاده کنند. حیوان سوم در روز پنجم ظاهر می شود، اما می تواند

در صحنه باقی بماند. ما امیدواریم که شما از نمایش بوگلی و حیوانات لذت ببرید.
تمامی الگوهای ماسک حیوانات برای این VBS به صورت رایگان بر روی وبسایت ما قرار دارد.

<http://www.childrenareimportant.com/jungle/>

می توانید از جیب مقوایی در نمایش های روزانه استفاده کنید. برای مشاهده نحوه کار کردن این جیب می توانید این ویدئو را در یوتیوب مشاهده کنید!
<https://www.youtube.com/watch?v=KEwQpAqHNkk>



ایستگاه ها

در جستجوی کتاب مقدس

به رودخانه، جایی که ما با قایق به دنبال کتاب مقدس می گردیم، خوش آمدید! هر روز به دانش آموزان خود عنوان درس، شعار و آیه ی روز را بگویید. سپس کتاب های دانش آموزی را برداشته و آن ها را به پیدا کردن رمز و رازهای پنهان تشویق کنید. سرانجام، از دانش آموزان بخواهید که دو فعالیت از کتابشان را انجام بدهند و صفحات آن ها را رنگ آمیزی کنند.



کلاس غار

در کلاس غار، معلم، داستان کتاب مقدس را در حالی که دانش آموزان تصاویر مربوط به هر درس را نقاشی می کنند، روایت می کند. در نظر داشته باشید که تصاویر، آثار هنری برجسته ای که بتوان تاریخ کتاب مقدس را روایت کرد، نمی باشند، اما به گونه ای طراحی شده اند که به آسانی می توان آن ها را نقاشی کرد و بچه ها می توانند به راحتی از آن کپی برداری کنند. وقتی که نقاشی بچه ها به اتمام رسید، آن ها را بر رای گیری در مورد پوسترها به دور یکدیگر جمع کنید، از آن ها سوال بپرسید و در پاسخ دو انتخاب برایشان قرار دهید. ایده «زمان رای دادن» یا قرار دادن «دو انتخاب» برای این است که دانش آموزان را به فکر کردن تشویق کنید. بنابراین شما باید هر دو مورد را به درستی انجام دهید. دو انتخابی که دارند را بخوانید و کاری کنید که هر دو انتخاب، پاسخ درستی به نظر بیایند. هر بچه بر روی پوستری که مطابق با گروه سنی خودش است، امضا می کند و انتخاب خود را مشخص می کند. شما می توانید از استیکرها یا دکمه ها برای نظرسنجی دانش آموزان استفاده کنید. سعی کنید که یک پاسخ را به عنوان پاسخ صحیح نشان ندهید و همواره دو انتخاب را حفظ کنید.



آبشار کاردستی ها

در این ایستگاه، دانش آموزان با درست کردن کاردستی و انجام کارهای هنری، سعی می کنند تا دروس خود را به خاطر بسپارند و زمان بیشتری را برای سرگرمی اختصاص دهند. تمامی الگوهای مربوط به کاردستی ها در سایت ما موجود است و دستورالعمل درست کردن آن ها را در اینجا می توانید مطالعه کنید.



رستوان گرمسیری

شما می توانید برای بالابردن میزان سرگرمی دانش آموزان، یک میان وعده معمولی مانند چای یا ناهار، تهیه ببینید. ایده سرو میان وعده به دانش آموزان، علاوه بر اینکه از لحاظ تغذیه برایشان مفید است، فضای سرگرم کننده ای را نیز برایشان فراهم می کند. تمامی دانش آموزان VBS از فعالیتهایی که در زمان خوردن میان وعده انجام می دهند، لذت می برند. می توانید برای سرگرمی بیشتر، مواد اولیه میان وعده خود را نیز تغییر دهید.





بازی بر پایه اطلاعات، روابط را قوی تر و دانش آموزان را شادتر می کند. به همین دلیل است که ما در VBS بازی هایی را در نظر گرفته ایم که توسط آن ها دانش آموزان بتوانند یاد بگیرند که با یکدیگر تعامل کنند، نوبت های یکدیگر را رعایت کنند و به یکدیگر گوش دهند. برای هر درس یا برای هر دو درس، یک بازی انتخاب کنید. کودکان را با توجه به تعدادشان به دو گروه سنی متفاوت تقسیم کنید. توجه کنید که تعداد بچه های کم سن، متوسط ها و بزرگتر ها در هر گروه به یک اندازه باشد. تیم ها را در همان روز اول تشکیل دهید و در کل هفته همان نظم را حفظ کنید.

ایده های بیشتر

میز آرای

کار خود را با یک میز بزرگ با رومیزی سبز یا قهوه ای شروع کنید. روی میز را از ظروف و سبدها پر کنید و از عروسک های حیوانی مانند میمون و ... و همچنین میوه و شکلات استفاده کنید، تا فضای کار خود را به فضای جنگل نزدیکتر کنید.



آبمیوه جنگلی

می توانید با نوشابه پرتقالی یا لیمویی شروع کنید و بر روی بطری آن ها با برجسب بنویسید: «آبمیوه جنگلی». اگر دوست داشتید پودرهای میوه موردعلاقه خود را نیز به آن ها اضافه کنید.



موز برای میمون

یک ظرف یا یک سبد را از موز پر کرده ایم و آن را با یک عروسک میمون تزئین کرده ایم. یک کارت نیز در کنار ظرف قرار داده ایم و در آن نوشته ایم: «موزها برای توئه، میمون عزیز». بچه ها از این میان وعده لذت خواهند برد.

صورتک های ببری

در این میان وعده از مقداری ماندارین یا نارنگی استفاده کرده ایم، اما شما می توانید از هر میوه نارنجی که در منطقه شما موجود است استفاده کنید. از یک ماژیک وایت برد برای کشیدن چهره ببرها بر روی پوست نارنگی استفاده کنید. بچه ها از انتخاب این «ببرها» به هیجان زده خواهند شد.





کرم های زنده

پاستیل کرمی بسیار برای نمایش کرم های زنده مناسب هستند. آن ها را بر روی یک برگ شسته شده یا در یک بشقاب قرار دهید و بر روی یک کارت بزرگ بنویسید: «کرم زنده» یا

انگشتان ببر

پفک های نارنجی چیتوز برای این ایده بسیار مناسب هستند، اما شما می توانید از هر میان وعده نارنجی دیگری نیز استفاده کنید. مثلاً اگر نتوانستید از این نوع پفک تهیه کنید، چند هویج را راه راه رنده کنید و بر روی کارت کنار ظرف بنویسید: «انگشتان ببر!»



مورچه های خوشمزه

برای تهیه این میان وعده، تنها کافی است مقداری زغال اخته یا بلوبری را در یک مسیر (مانند مسیر حرکت مورچه ها) به سمت کاسه بچینید. می توانید در زمان مواجه شدن بچه ها با این میان وعده، ذوق را در چشمانشان مشاهده کنید.



مار

برای این مار، ما از یک خیار استفاده کردیم. شما هم می توانید از هر میوه سبز یا سبزیجات دیگری نیز استفاده کنید. برای سر مار نیز، با چاقو قسمتی از خیار را گرد و به پهنای 4 سانتی متر برده ایم. برای تزئین بیشتر سر مار، می توانید با استفاده از فلفل قرمز یا گوجه برای آن چشم و نیش بگذارید.

همچنین می توانید میز غذای خود را با کشیدن ردپایی از حیوانات مختلف بر روی ظروف یکبار مصرف، زیباتر سازید.



طرز تهیه ققممه آب

مواد اولیه:

- 2 ظرف یکبار مصرف. به ضخامت 10 سانتی متر
- چسب مخصوص کاغذ یا چسب سرد سیلیکون
- قیچی
- دستمال کاغذی سبز و قهوه ای یا قلمو و رنگ سبز و قهوه ای
- ½ تیوب دستمال توال (دو دانش آموز می توانند از یک تیوب استفاده کنند.)
- روبان یا نوار موج دار

دستور العمل:



- بر روی هر ظرف یک حرف U (با حروف بزرگ) بنویسید. تقریباً آن را در اندازه یک تیوب دستمال توالت بکشید.
- حرف U را ببرید، دو صفحه U مانند را بر روی هم قرار دهید.
- از جایی که U قرار دارد، تیوب را بچسبانید
- دو ظرف یکبار مصرف را با چسب به یکدیگر بچسبانید
- می توانید از کودکان بخواهید که آن را با ابزارهایی که در اختیار دارند رنگامیزی کنند.

در هر قسمت یک سوراخ کوچک ایجاد کنید و روبان یا نوار پارچه ای را از آن رد کرده و به عنوان بند قلممه خود استفاده کنید.



درس 1

عیس مسیح من را قدرتمند می کند

پیام اصلی (درس 1)

من بسیار قوی و قدرتمند هستم، حتی زمانی که احساس ضعف می کنم

درس کتاب مقدس (درس 1)

دلیله مانیپولت (فضات 16:1-31)

مقدمه (درس 1)

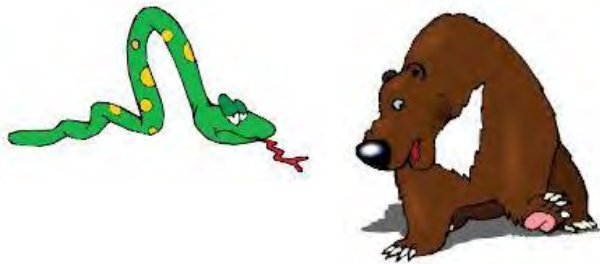
در این فصل، بازماندگان برای مشخص شدن گروه نجات یافته و برنده به رقابت با یکدیگر می پردازند تا نتیجه نهایی مشخص شود. به «جنگل بازماندگان» خوش آمدید. هر روز مردم سعی می کنند تا در شما نفوذ کنند و شما را مجاب به انجام کارهایی کنند که برای آن ها منفعت را به دنبال دارد. هر چند که اگر بتوانیم به حقیقت وجودیمان پی ببریم می توانیم از نجات خود مطمئن شویم. امروز به ملاقات بوگلی خواهیم رفت و مشاهده خواهیم کرد که او چگونه بر مارهای لغزنده غلبه خواهد کرد.. ما در طول زمان میان وعده یک خرس کاردستی درست خواهیم کرد و بازی هم می کنیم. سپس کتاب مقدس را باز می کنیم و می خوانیم که سامسون توسط دلیله مورد نفوذ قرار می گیرد و می بینیم که سامسون با استفاده از قدرتش چگونه برا این مشکل غلبه می کند. پس بیایید نکته امروز را با یکدیگر مرور کنیم: « من بسیار قوی و قدرتمند هستم، حتی زمانی که احساس ضعف می کنم». در پایان روز، من و شما می توانیم مطمئن باشیم که اگر قدرتمان را از سرورمان، عیسی مسیح بگیریم، از جنگل زندگی نجات خواهیم یافت.»

حیوانات (درس 1)

مار در دیگران نفوذ می کند و خرس کمک می کند.

گروه ها (درس 1)

به چند گروه تقسیم بندی کنید و برای هر گروه یک نام انتخاب کنید. یک بازی انجام دهید تا نام گروه ها را بخاطر بسپارید.



آیاتی از کتاب مقدس (درس 1)

«به این دلیل است که، به خاطر مسیح، از ضعف ها، توهین ها، سختی ها، آزار و اذیت و حتی مشکلات لذت می برم و برایم قابل تحمل می شوند. زمانی که احساس ضعف می کنم، من قوی و قدرتمند هستم» 2 قرنتیان 12:10

نمایش (درس 1)

بوگلی در جیب جنگلی خود خواب بود، که صدای زنگ ساعتش بلند شد. او سعی کرد تا دکمه خاموش شدن ساعت را فشار دهد که ناگهان یادش افتاد که دیرش شده است. بلافاصله بیدار شد و از جیب بیرون پرید. بوگولی در حالی که این سو و آن سو می دوید بلند بلند فریاد میزد که مدرسه اش دیر شده است و به همین خاطر پیامی در واتس اپ برای دوستش، خرس، ارسال کرد. بوگلی با بچه ها در مورد مدرسه جنگلی صحبت کرده بود اما حالا دیرش شده و باید بدون صبحانه به

مدرسه برود. بوگلی از اینکه معلم اش او را به خاطر دیرآمدن تنبیه کند، بسیار می ترسید. در حالی که تلاش می کرد تا هر چه سریعتر حاضر شود شکمش شروع به غر غر کردن کرد و او از اینکه مجبور است بدون خوردن صبحانه به مدرسه برود، بسیار متاسف شد. در سر راه مار آمد و تلاش کرد تا از بوگلی بخواهد که برای خوردن صبحانه به او ملحق شود. مار سعی در گول زدن بوگلی داشت و بوگلی باید در اینجا مراقب خود باشد. درعین حال خرس نیز در اینجا وارد صحنه می شود و بوگلی را تشویق می کند تا به موقع به مدرسه برسد. بوگلی به خاطر حرف مار وسوسه شده بود که برای خوردن صبحانه موردعلاقه اش با مار، توقف کند و دیرتر به مدرسه برود. (در اینجا می توانید می توانید از قبل صبحانه موردعلاقه تان را آماده کنید و هر روز بعد از نمایش آن را میل کنید). بوگلی خطاب به مار فریاد زد: آهای! تو هیچ دستی نداری؟ پس چطوری صبحانه می خوری؟! سپس هر دو حیوان را رها کرد و به دویدن خود ادامه داد. وقتی که بوگلی به مدرسه جنگلی رسید، یک بشقاب از میوه های رنگارنگ و همچنین دقیقاً صبحانه ای که مار تهیه کرده بود، در آنجا حاضر و آماده بود، آن روز یک روز خاص بود که مدرسه تصمیم گرفته بود تا برای همه دانش آموزان صبحانه مخصوص آماده کند. بوگلی بار دیگر در واتس آپ برای خرس پیغام فرستاد و نوشت: واو! حتی در زمانی که احساس ضعف می کردم، قدرتمند هستم، زیرا خداوند در کنارم است! من امروز صبح ضعف داشتم و تلاش کردم تا صدای زنگ ساعت را خاموش کنم اما کسی نمی دانست که من صبحانه نخوردم تا به موقع برسم! به خاطر نخوردن غذا کل روز احساس ضعف می کردم، اما حالا با دیدن این صبحانه خوشمزه احساس قدرت می کنم. من با وجود سرورم عیس مسیح قوی هستم حتی در زمانی که احساس ضعف کنم. عیسی مسیح من را قدرتمند خواهد کرد.



کلاس غار (درس 1)

وسوسه دلیله

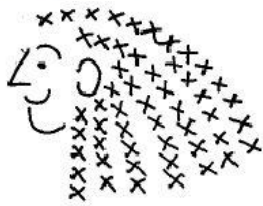
(قضات 16:1-31)

همانطور که هر بخش از کتاب مقدس را تعریف می کنید، بچه ها نیز تصاویر نشان داده شده را نقاشی می کنند. سعی کنید تا جای ممکن نقاشی ها را ساده انتخاب کنید تا بچه ها به راحتی بتوانند آن را بکشند.

1. سامسون بسیار شخص قدرتمندی بود. دشمن تلاش می کرد تا او را نابود کند، اما هیچ سربازی قدرت این کار را نداشت. البته، همه بر این باور بودند که رازی پشت این قدرت شگفت انگیز سامسون وجود دارد. رهبران فلاسفه به «دلیله» مقدار زیادی پول وعده دادند به شرط اینکه بتواند سامسون را وسوسه کند تا رازش را به او بگوید. سامسون (شخصیت مرد) عاشق دلیله (شخصیت زن) بود، اما دلیله پول را بیشتر دوست داشت.



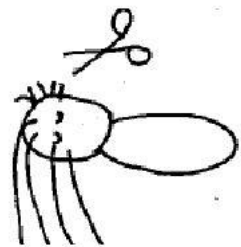
تصویر 1: یک کیسه بزرگ از سکه های نقره



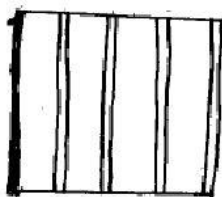
2. دلیل خود را برای نزدیک شدن به سامسون آماده کرد. سامسون به دلیل گفته بود که اگر روزی کسی او را با طناب ببندد، قادر نیست خود را آزاد کند، اما دروغ گفته بود. یک روز وقتی که سامسون خواب بود دلیل او را به تخت بست، اما وقتی از خواب بیدار شد به راحتی طناب ها را از دست وپایش باز کرد. دلیل چهار شک و تردید شد که حتماً دروغی در کار بوده است. علاوه بر این متوجه شد که سامسون نفهمید که کار بستن شدنش به تخت، زیر سر دلیل بوده است زیرا به دلیل گفته بود که برای بستن من باید از طناب های بسیار محکمی استفاده کنند. دلیل بار دیگر سامسون را در خواب به تخت بست اما باز هم او به راحتی طناب ها را باز کرد.

تصویر 2: شخصی با موهای بلند و بافته شده، درست مانند موهای سامسون

3. سرانجام، دلیل از قدرتمندترین روش خود برای فهمیدن راز سامسون و مجبور کردن وی به فاش آن، استفاده کرد و به او گفت: «من را دوست داری؟»، اگر من را دوست داری، حقیقت را به من بگو. اگر بهترین دوستان این جملات را به شما بگویند، آیا راز خود را به او خواهید گفت؟! سامسون وسوسه شد و رازش را به دلیل گفت. او گفت: «موهای من، قدرت من هستند.» اگر کوتاه شوند من نیز قدرتم را از دست می دهم.



تصویر 3: مردی که خوابیده است و نصف موهایش کوتاه شده است.



4. دلیل زمانی که به راز سامسون پی برد، از یک مرد خواست تا زمانی که سامسون در خواب است، موهایش را کوتاه کند و سربازها نیز آماده بودند تا بلافاصله سامسون شکست ناپذیر را دستگیر کنند. وقتی مرد موهای سامسون را کوتاه کرد سربازها به وی حمله کردند و سامسون کچل را به راحتی در زندان انداختند.

تصویر شماره 4: یک زندان با پنجره ی میله دار

5. زمانی که در زندان موهای سامسون دوباره رشد کرد او متوجه شد که قدرت او هدیه ای بوده است از سوی خداوند. به همین دلیل شروع به راز و نیاز کردن با خدا کرد و از او خواست تا قدرتش را به او بازگرداند و خداوند نیز جواب راز و نیازهایش را داد و سامسون توانست در جنگ بر علیه فلسطینی ها پیروز گردد.



تصویر 5: مردی که در حال راز و نیاز است.

نظریه ها

در کلاس برای بچه ها دو مورد انتخابی مطرح کنید. این «نظریه ها» برای این است که بچه ها بتوانند بیشتر فکر کنند، شما دو مورد انتخابی پیش روی آن ها می گذارید البته به این شرط که احتمال صحت داشتن هر دو انتخاب بالا باشد، و آن ها را در میان بچه ها عنوان می کنید و از آن ها بخواهید که گزینه درست را پیدا کنند. همچنین می توانید از استیکرها برای نظرسنجی استفاده کنید. سعی کنید که جواب صحیح را به آن ها نشان ندهید بلکه آن ها را به فکر کردن بیشتر و پیدا کردن انتخاب درست تشویق کنید.



رستوان گرمسیری (درس 1)

میله های وزنه برداری

مواد تشکیل دهنده: (آنهايي را انتخاب کنید که در مکان زندگی شما یافت می شود)

- مواد تشکیل دهنده میله وزنه: چوب شور، سرکه، خمیردندان، هویج یا جیکاما
- مواد تشکیل دهنده وزنه ها: انگور، پنیرتکه ای، مارشمالو، زیتون، توت فرنگی یا خربزه خرد شده
دستورالعمل:
- دو وزنه از مواد غذایی که دارید انتخاب کنید و به انتهای میله ها بچسبانید
- به کودکان اجازه دهید که خودشان میله وزنه برداری خود را بسازند.



بازی مارش (درس اول) (درس 1)

1. بازی سفر مار

هشت تا ده عدد حلقه (یا چرخ دوچرخه) به همراه طناب و کابل (به یاد داشته باشید که اگر از کابل استفاده می کنید کابل ها می بایست محافظ داشته باشند.) را از یک درخت تنومند آویزان کنید، در صورتی که درختی پیدا نمی کنید، از دو شخص استفاده کنید که حلقه ها را برای شما نگاه دارد. اگر باز هم موفق نشدید می توانید آن ها را بر روی زمین قرار دهید. هر تیم یک خط را تشکیل می دهد و از بین چرخ ها یا حلقه ها عبور می کند.

2. بازی اینجا در میان ما

برای انجام این بازی، می توانید از بادکنک، بادکنک های سایز متوسط و یا توپک های کاغذی استفاده کنید.
بچه ها را از هم جدا کنید، سپس از آن ها بخواهید که چشمان خود را ببندند و شروع کنند به حرکت کردن و چرخیدن و به محض اینکه اولین کسی را لمس کردند، آن را محکم بغل کنند و این کمپین جدید، بازی آن ها خواهد بود. نکته: مطمئن شوید که هر دو جفت انتخاب شده هم قد باشند. خطوط شروع و پایان را خط کشی کنید، به هر دو جفت یک بادکنک پر باد بدهید. آن ها می بایست بادکنک را در جلوی شکم یکدیگر قرار دهند و آن را در خلاف جهت یکدیگر فشار دهند، سپس بدون اینکه از نیروی دست استفاده کنند به دور هم بچرخند و بدون اینکه بادکنک را به زمین بیاندازند و یا آن را بترکانند به سمت خط پایان حرکت کنند.



آبشار کاردستی ها (درس 1) رنگامیزی یک خرس

تصویر خرس را پرینت گرفته و به هر دانش آموز یک نسخه بدهید تا سر، چشمان و دماغ آن را رنگامیزی کند.



1. کودکان چشمان و بینی را رنگ کنند و آن ها را ببرند. به آن ها اجازه دهید تا در هر جای دایره سفیدی که در اختیار دارند، چشمان خرس را بکشند و آن را رنگامیزی کنند، از این طریق خلاقیت آن ها شکوفا می شود و نتایج خوبی را مشاهده خواهید کرد.
2. به آن ها نشان دهید که چگونه می توان یک نقاشی کوچک را در پشت یک قاشق چسبانند و از آن به عنوان گوش های قهوه ای خرس استفاده کنید.
3. به آن ها نشان دهید که چگونه می توان با یک چنگال، یک منحنی ایجاد کرد، از نوک دماغ شروع کنید و نوک چنگال را بچرخانید.
4. چشمان و بینی را در مکان مناسب بچسبانید چگونه رنگ قهوه ای بسازیم: مقدار تقریباً مساوی از رنگ های اصلی را با یکدیگر ادغام کنید: قرمز، زرد و آبی. اگر احساس کردید که رنگ قهوه ای ایجاد شده تیره است، می توانید مقداری سفید نیز به آن اضافه کنید.

نتیجه گیری (درس 1)

در زندگی روزمره مردم مدام در حال وسوسه کردن یکدیگر هستند، درست همانطوری که سامسون توسط دلیله وسوسه شد و فریب خورد، و همچنین مانند بوگلی که امروز توسط یک مار وسوسه شد. آدم هایی همیشه در اطرافتان هستند که در ظاهر در کنار شما هستند اما در باطن در مقابل شما قرار دارند. اما اگر بدانیم جایگاهمان در نزد عیسی مسیح کجاست و اگر ایمان داشته باشیم که او هرگز ما را رها نمی کند و او را قلباً باور داشته باشیم، قدرتمند خواهیم شد، حتی در زمان هایی که احساس ضعف می کنیم و در آیه ای از کتاب مقدس آمده است که «آدم ها می توانند با ایمان به عیسی مسیح بر تمام سختی ها، ضعف ها و مشکلات غلبه کنند زیرا در زمان سختی قدرت عیسی مسیح وارد زندگیشان می شود. اجازه دهید تا دانش آموزان بار دیگر پیام اصلی امروز را با هم مرور کنند:

«من به کمک عیسی مسیح قوی هستم، حتی در زمان هایی که احساس ضعف می کنم!»

درس 2

عیس مسیح من را راضی و خرسند می کند

پیام اصلی (درس 2)

من همه چیز دارم پس باید خرسند باشم.

درسی از کتاب مقدس (درس 2)

دزدی آجان (جاشوا 7:1-23)

مقدمه (درس 2)

روز گذشته ما فصل جدیدی از نجات یافتگان جنگل را آغاز کردیم، جایی که تیم ما با یکدیگر به رقابت پرداختند تا به یکدیگر ثابت کنند که بهترین هستند. آن ها هیچ ایده ای در مورد اینکه، این کار چقدر می تواند جالب و سرگرم کننده باشد، نداشتند و چالشهای آن را پذیرفتند تا به جایگاه حقیقی خود نزد عیسی مسیح پی ببرند. در شبکه اجتماعی توئیتر با استفاده از #، به ماملحق شوید و اجازه دهید تا ما هم از نقطه نظرات شما باخبر شویم. (می توانید از شبکه اجتماعی محبوب در کشور خودتان استفاده کنید). هر روز در دور و اطراف خود آدم هایی را می بینیم که از ما بهتر هستند؛ لباس های بهتری بر تن دارند یا به عنوان مثال تلفن همراهشان زیباتر از مال ماست. با وجود تمام این مسائل، اگر بدانیم جایگاه حقیقی ما نزد عیسی مسیح کجاست، می توانیم از آنچه که در حال حاضر هستیم و از آنچه که انجام می دهیم، راضی و خشنود باشیم. (این آیات از کتاب مقدس را تلاوت کنید: فلیپیان 4:12). حقیقت این است که اگر ما به خداوند ایمان بیاوریم و از عیسی مسیح پیروی کنیم، می توانیم به یک شادی و رضایت ابدی دست یابیم. آیا بوگلی را از نمایش دیروز به خاطر دارید؟ ما او را مجدداً تا دقایقی دیگر مشاهده خواهیم کرد و می بینیم که چقدر نسبت به دیگران حسود است و به همین دلیل احساس رضایت و شادی خود را از دست داده است. همچنین امروز کتاب مقدس را باز خواهیم کرد و در مورد شخصیتی که شادمانی خود را به دلیل انجام دادن گناه و دزدی، از دست داده است، خواهیم خواند. بر همین اساس در طول مدت خوردن میان وعده به پیدا کردن آیتم های دزدی شده وی خواهیم پرداخت و در زمان درست کردن کاردستی یک فیل بامزه درست می کنیم تا به ما درس قدرت و رضایتمندی بدهد. اجازه دهید تا همه یکبار دیگر شعار امروز را مرور کنند: «من همه چیز دارم و باید خرسند باشم». در پایان روز، شما و من می توانیم مطمئن باشیم که از جنگل زندگی سربلند بیرون خواهیم آمد، البته اگر بدانیم که ما به رضایت سرورمان عیسی مسیح راضی و خشنود هستیم.

حیوانات (درس 2)

هیلی دزدی می کند و فیل کمک می کند.



تیم ها (درس 2)

به هر یک از تیم ها به طور جداگانه، یک شعار یا یک شعر بدهید تا آن را یاد بگیرند.

آیات کتاب مقدس (درس 2)

«به آنچه که مورد نیاز است شناخت دارم، و مقدار آن را نیز می دانم. من راز با محبت بودن را در هر مکان و موقعیتی، چه سیر باشم چه گرسنه، چه در کثرت زندگی کنم چه در کمبودها، به خوبی می دانم.» فلیپیان 4:12

نمایش (درس 2)

زنگ ساعت بوگلی به صدا در میاید و او به سرعت از جیب به بیرون می پرد؛ بیدار و حاضر و آماده! او خوشحال است که امروز خواب نمانده بنابراین آماده می شود و خود را برای خوردن صبحانه موردعلاقه اش آماده می کند. یک موز می خورد و پوست آن را پرتاب می کند. در زمانی که بوگلی در حال خوردن صبحانه است، فیل در حالی که به شدت سرگرم بازی کردن با گوشی همراه اش بود، از راه رسید. بوگلی به بازی فیل حسادت کرد و به او خیره شد و شروع کرد به سوال کردن از فیل. (اگر خواستید می توانید عروسک (فیل) را به حیوان دیگری که در منطقه شما معروف تر است، تغییر دهید.) فیل با کرکر خندیدن و به بازی خود ادامه داد، و حسادت بوگلی را با این کار دوچندان کرد. هیلی وارد می شود و به بوگلی می گوید که نباید حسادت کند و اینکه او راهکار بهتری دارد! هم زمان با اینکه فیل دست از بازی کردن می کشد و شروع به صحبت کردن با بوگلی می کند، هیلی از این موقعیت سواستفاده می کند و اقدام به دزدی می نماید. بوگلی با دیدن این صحنه شوکه می شود و سعی می کند بدون اینکه فیل متوجه شود، هیلی را از این کار باز بدارد. سرانجام، در یک لحظه، بوگلی به خودش می آد و متوجه می شود که باز هم از مدرسه جا مانده! دیوانه وار به اطراف می دود و به دنبال مدادش می گردد. مداد را پیدا می کند اما دوباره آن را به زمین میاندازد (در اینجا نیز زمان بیشتری را از دست می دهد). در راه مدرسه، یک آلام از سمت فیس بوک دریافت می کند که کلاس درس در زمین بازی برگزار می شود. حال او باید مستقیماً به زمین بازی برود و زمان را از دست ندهد. با دیگر، بوگلی سروقت و خشنود است.



کلاس غار (درس 2)

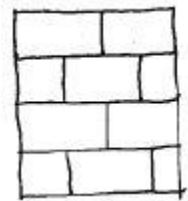
دزدی آجان

(جاشوآ 7:1-23)

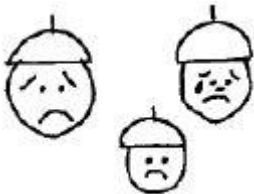
همانطور که در هر بخش، به مطالعه کتاب مقدس نیز می پردازید، از دانش آموزان بخواهید که به نقاشی تصاویر بپردازند،

نقاشی ها را تا حد امکان ساده در نظر بگیرید، بنابراین دانش آموزان میتوانند به راحتی از آن ها کپی کنند.

1. آجان زمانی که در حال رژه رفتن در اطراف جریکو رژه بود، جز سربازان ارتش جاشوآ بود. وقتی دیوارها سقوط کرد تنها این خدا بود که باعث پیروزی در جنگ شد. این خواست خداوند بود که مردم نتوانستند هیچ چیزی در شهر پیدا کنند، نه لباسی، نه طلائی، نه نقره ای.



تصویر 1: دیوار جریکو



2. جنگ بعدی ارتش جاشوآ در مقابل شهر Ai بود. جنگ با شکست همراه بود، هرچند که آن ها به راحتی می توانستند پیروز شوند. ارتش جاشوآ به عبادت خداوند برخاستند، و از خدا دلیل شکست خود را جویا شدند. خداوند پاسخ داد که به دلیل اینکه ارتش از دستوراتش سرپیچی کردند و در وجودشان عشق به اجسام جایگزین عشق به خدا شد، شکست خوردند.

تصویر 2: مافوق سربازان با چهره ای غم انگیز به دلیل شکست در جنگ

3. خدا به جاشوآ گفت تا به مردم بگوید که خودشان را وقف خداوند کنند و خدا فردا به آن ها نشان خواهد داد که چه کسی وسایل آن ها را دزدیده است و آن ها را مخفی کرده است. این فرصتی است برای توبه کردن و برگشتن از عشق ورزیدن به اجسام به جای عشق ورزیدن به خداوند. جاشوآ متوجه شد که همه چیزهایی که برای یک زندگی شاد لازم دارد را در اختیار دارد و از خدا تشکر کرد.



تصویر 3: جاشوآ در حال عبادت خداوند، سجده کردن برای او است.



4. روز بعد جاشوآ مابقی ارتش، خانواده ها و تمامی اعضای خانواده ها را فراخواند. خدا به جاشوآ نشان داد که آچان کسی است که دزدی کرده و گناهکار است. وقتی از آچان پرسیده شد، او گفت که با دیدن چیزهای با ارزش و زیبا، دلش خواست که صاحب آن ها شود. جاشوآ افرادش را به چادر آچان فرستاد و آنها تمامی لوازم دزیده شده را در چادر محل اقامت آچان پیدا کردند. جاشوآ وسایل گرانقدر را از آچان پس گرفت و تقدیم خداوند کرد و آچان نیز مجازات شد.

تصویر 4: وسایلی که آچان برداشته بود: یک جامه بسیار زیبا، یک عدد شمش طلا و نقره.

5. خداوند به جاشوآ گفت که نترسد و افزود: «با ارتش ات به شهر Ai برگردد، و من پیروزی را از آن تو خواهم کرد.» خداوند بار دیگر به آنها گفت که هیچ وسیله ای از شهر با خود نبرند. این دفعه همه از دستورات خداوند اطاعت کردند و همانطور که خدا دستور داده بود به شهر برگشتند. آن ها در جنگ پیروز شدند و از اینکه خداوند به آن ها در پیروزی کمک کرد بسیار خشنود شدند.



تصویر 5: سربازان با چهره ای شاد، دستان خود را به سوی خداوند بلند کردند.

نظریه ها

در کلاس برای بچه ها دو مورد انتخابی مطرح کنید. این «نظریه ها» برای این است که بچه ها بتوانند بیشتر فکر کنند، شما دو مورد انتخابی پیش روی آن ها می گذارید البته به این شرط که احتمال صحت داشتن هر دو انتخاب بالا باشد، و آن ها را بین بچه ها مطرح کنید و از آن ها بخواهید که گزینه درست را پیدا کنند. همچنین می توانید از استیکرها برای نظرسنجی استفاده کنید. سعی کنید که جواب صحیح را به آن ها نشان ندهید بلکه آن ها را به فکر کردن بیشتر و پیدا کردن انتخاب درست تشویق کنید.

سوال: آیا آچان با دزدیدن وسایل کار درستی انجام داد؟

الف. آچان باید می دانست که خداوند همه چیز را می بیند و هرگونه نافرمانی مورد مجازات قرار می گیرد. او با دزدیدن و مخفی کردن اجسام کار بسیار زشتی انجام داد.



- پودینگ شکلاتی
- شیر برای درست کردن پودینگ
- شیرینی های کوچک که در کف لیوان ها به صورت مخفیانه گذاشته شده اند

دستورالعمل:

یک یا دو عدد شکلات را در کف هر لیوان بیاندازید. طبق دستورالعمل روی بسته شکلات ها عمل کنید تا پودینگ شما آماده شود. وقتی که پودینگ خنک شد، داخل لیوان ها بریزید. به بچه ها بگویید: « اینجا چادر آجان است. وظیفه شما گشتن چادر برای پیدا کردن گنجینه های دزدیده و پنهان شده، است.»



بازی مارش (درس 2)

1. بازی پرش کوتاه

برای این بازی، شما به یک سطل خالی و یک لیوان پلاستیکی نیاز دارید. به تیم ها دستور بدهید که هر کدام به ترتیب در یک خط صف تشکیل دهند. شخص اول دست راستش را به عقب می برد و پای راست و بالا آمده ی شخص پشت سر خود را می گیرد. شخص دوم نیز به همین ترتیب پای شخص سوم را می گیرد و به همین ترتیب تا نفر آخر. اگر در فضای آزاد بازی می کنید، می توانید از آب هم استفاده کنید! به این ترتیب که علاوه بر کارهای گفته شده هر شخص با دست چپ، یک لیوان پر از آب را نیز نگاه دارد. تنها شخص اول صف نیاز به نگاه داشتن لیوان آب ندارد. نقاط شروع و پایان را خط کشی کنید. با شروع بازی، همه گروه ها شروع کنند به پریدن و تلاش کنند تا خود را به خط انتها برسانند. وقتی که به خط پایان رسیدند، تیمی که آب بیشتری در لیوان هایش باقی مانده باشد، برنده اعلام خواهد شد.

2. بازی همه در یک سطل!

تعدادی سطل پر از آب آشامیدنی به همراه نی شربت خوری آماده کنید. هر گروه یک دایره (تا جایی که امکان دارید دایره باید کوچکتر باشد) تشکیل بدهد. سطل آب را در وسط گروه قرار دهید و همه اعضای گروه باید با نی های خود از ظرف آب بخورند تا تمام شود. همه به طور همزمان می توانند بنوشند و یا در هر نوبت فقط یک نفر. اگر تعداد اعضای گروهتان زیاد است می توانید از چند سطل آب استفاده کنید.



آبشار کاردستی ها (درس 2)

فیل سه بعدی

برگه مربوطه را پرینت گرفته و به همه دانش آموزان یک نسخه بدهید.

- 1 عدد سر و بدن یک فیل
- 2 عدد چشم ریز بادامی

• 2 سانتی متر نخ برای دم



1. به دانش آموزان بگویید که سر و بدن فیل را رنگآمیزی کنند و آن ها را ببرند.
2. به دانش آموزان نشان دهید که چگونه به آرامی بدن فیل را رول کنند به نحویکه نوارهای بریده شده بتوانند به یکدیگر بچسبند.
3. دم فیل را با چسب بچسبانید
4. چشمان آن را به سرش بچسبانید

5. در آخر سر آن را باید به بدنش متصل کنید. برای اینکار ابتدا در بدنش شکافی ایجاد کنید، سر را در داخل شکاف قرار دهید و آن را چسب بزنید.

نتیجه گیری (فصل 2)

وسوسه ها برای ما ناخشنودی را به ارمغان خواهند آورد و حتی ما را به دزدی از دیگران وامی دارد، درست مانند همان کاری که آچان انجام داد و همچنین بوگلی که نسبت به بازی کردن فیل حسادت ورزید. آدم هایی وجود دارند که سعی می کنند با خودنمایی و نشان دادن امکاناتشان شما را ناامید و مایوس کنند. هرچند که با اطمینان می توانیم بگوییم که با تکیه بر عیسی مسیح ما همواره شاد و رضایتمند خواهیم بود. زمانی که به خدا ایمان می آوریم، بدون توجه به اینکه چه چیزهایی داریم می توانیم همواره راضی و خشنود باشیم و درست همانطور که در آیات کتاب مقدس نیز آمده است، ما فلسفه وجودمان را در هر موقعیت به خوبی می دانیم، چه سیر باشیم، چه گرسنه، چه داشته باشیم، چه نداشته باشیم. بیایید یکبار دیگر شعار امروز را تکرار کنیم: « من تمام چیزهایی که برای شادی نیاز دارم، را در اختیار دارم.»

درس 3

عیسی مسیح به ما درس مهرورزی می آموزد

پیام اصلی (درس 3)

من به سمت دیگران قدم برمی دارم امیدوارم که دیگران هم به سمت من قدم بردارند.

درس کتاب مقدس (درس 3)

گیزی به سود و منفعت می رسد. 2 پادشاهان 5: 1-27

مقدمه (درس 3)

ما در روز سوم از «نجات یافتگان جنگل» در حالی که تیم ها تلاش می کنند تا راه برنده شدن را پیدا کنند، دوباره نزد شما بازگشته ایم. امروز فرصت بسیار خوبی است که به یکدیگر نشان دهیم که از چه چیزی درست شده ایم. آیا این تیم ها می توانند فرصت ها را شکار کنند یا خیر. در زندگی روزمره شاهد نامهربانی آدم ها با یکدیگر هستیم، بیاید اجازه ندهیم که برای پیشرفت و ترقی از روی شانه های دیگران بالا برویم و سپس آن ها را رها کنیم، زیرا اینکار بسیار ناپسند است و ما عزت نفس خود را از دست خواهیم داد. البته، ما می توانیم با فهمیدن جایگاهمان در نزد عیسی مسیح به عزت نفس برسیم! (هر روز یک آیه از کتاب مقدس تلاوت شود: لوقا 6:31). امروز بوگلی بر سر راهش به مدرسه با یک شیطان مواجه خواهد شد و می بایست تصمیم بگیرد که آیا حتی در شرایط خطر، مهربان باقی خواهد ماند یا خیر. ما یک میمون کاردستی ساختیم تا با خود به خانه ببریم تا یاد و خاطره این VBS را برایمان زنده نگاه دارد. سپس کتاب مقدس را باز می کنیم و خواهیم خواند که چگونه گیزی با مهرورزی توانست به سود و منفعت برسد و اینکه چگونه به دردمس می افتد. اجازه دهید تا همه دانش آموزان بار دیگر پیام اصلی امروز را مرور کنند: «من به سمت دیگران قدم برمی دارم امیدوارم که دیگران هم به سمت من قدم بردارند.» در پایان روز، شما و من خواهیم توانست با اطمینان و عزت نفس تمام، از جنگل زندگی پیروز بیرون بیاییم، وقتی که می دانیم به لطف سرورمان، عیسی مسیح باید به یکدیگر عشق و مهر بورزیم.»

حیوانات (درس 3)

میمون سواستفاده می کند و پلنگ به کمک می آید.

تیم ها (درس 3)

هر تیم برای خود یک پرچم یا پوستر ایجاد کند تا آن را در روز جمعه به همراه داشته باشد.

آیات کتاب مقدس (درس 3)

«با دیگران همانطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود»

لوقا 6:31

نمایش (درس 3)

بوگلی با زنگ ساعت از خواب بیدار می شود، از جیب به بیرون می پرد و با عجله خود را برای رفتن به مدرسه آماده می کند. در حالیکه در حال خوردن صبحانه موردعلاقه اش است، به تماشای یک ویدئو در یوتیوب می پردازد در ویدئو می بیند که تعدادی از بچه ها در مدرسه برای یک کودک قلدری می کردند. این ویدئو، بوگلی را غمگین کرد. اما او نمی خواست که این بار هم دیر به مدرسه برسد،

به همین دلیل شروع به رفتن به سوی مدرسه کرد. در راه مدرسه شبیه به پسری که در ویدئو دیده بود، پسری را دید که توسط یک میمون اسیر شده بود! میمون بر روی پشت او سوار شده بود، از غذاهای او می خورد و از تکالیفش بر می داشت. اینطور به نظر می رسید که میمون سعی می کند تا از کودک سواری مفتی بگیرد و از او برای رفتن به مدرسه کمک بگیرد. بوگلی با دیدن این صحنه و از اینکه میمون از کودک سواستفاده می کرد، به شدت غمگین شد و می دانست که باید به کودک کمک کند اما از طرفی نمی خواست که دیر به مدرسه برسد. تمام هفته او تقریباً نزدیک بود که او دیر به مدرسه برسد، اما خدا به او کمک کرده بود تا به موقع برسد. اما اگر این بار او برای کمک به کودک می رفت به طور قطع دیر می رسید. درست بعد از این موضوع، پلنگ از راه می رسد و بوگلی را به انجام کار درست تشویق می کند. بوگلی نگاهی به پسرک بیچاره که مورد سواستفاده میمون قرار گرفته بود، انداخت و تصمیم گرفت تا به او کمک کند. با خود گفت: «چه اتفاقی می افتاد اگر من توسط این میمون مورد سواستفاده قرار گرفته بودم.» بنابراین بوگلی و پلنگ با هم رفتند و پلنگ با میمون فرار کرد و مستقیماً از یک درخت بالا رفت و محکم از بالا به زمین پرتاب شد و دوباره بلند شد و دوباره به سمت درخت دوید و فرار کرد. همانطور که میمون در حال فرار بود، بوگلی به پسرک کمک کرد تا از روی زمین بلند شود و ناگهان متوجه شد که مدرسه اش دیر شده است، پلنگ به بوگلی و پسرک پیشنهاد داد که بر پشتش سوار شوند تا آن ها را به مدرسه برساند. آن ها بلافاصله بر روی پشت پلنگ سوار شدند و او به سمت جنگل به حرکت در می آید. بار دیگر بوگلی بسیار متعجب و شگفت زده شد زیرا با تمام این اتفاقات آن ها توانستند به موقع به مدرسه برسند!!! در این هنگام بوگلی این جمله را به خاطر آورد: با دیگران همانطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود. سپس با یک لبخند بر لبانش با خود گفت: «اوه! عیسی مسیح به مهر می بخشد!»

کلاس غار (درس 3)

گیزی سواستفاده می کند (2 پادشاه 27-1:5)



طبق روال همیشه با گفتن هر داستان از کتاب مقدس از دانش آموزان خواسته می شود تا تصاویر نشان داده شده را ترسیم کنند. سعی کنید تا تصاویر تا حد امکان ساده باشند تا دانش آموزان بتوانند به راحتی از آن ها کپی کنند.

1. نعمان مرد بسیار بزرگواری بود، اما به بیماری جذام مبتلا بود. او نزد پیامبر خدا الیسا رفت تا او را شفا دهد. الیسا به نعمان گفت که برو و 7 بار در رودخانه خود را شستشو بده تا شفا پیدا کنی. نعمان نیز اطاعت کرد و پس از اینکه از بیماری جذام شفا یافت بسیار متعجب و هیجان زده بود! نعمان نزد پیامبر خدا الیسا رفت و برای او هدیه ای برد، اما الیسا از دریافت آن خودداری کرد. با وجود اینکه نعمان از او خواهش کرد که بپذیرد اما او از گرفتن پول و هدیه خودداری کرد.



تصویر 1: نعمان در رودخانه



2. گیزی، خدمتکار الیسا که شفا یافتن نعمان و عدم پذیرش هدایا توسط الیسا را دیده بود، بعد از اینکه نعمان آنجا را ترک کرد و در راه منزل قدم می زد، بر سر راه او قرار گرفت و او را متوقف کرد. گیزی می دانست که نعمان ثروتمند است، زیرا قبلاً یک فرمانده نظامی بوده است. به همین دلیل تصمیم گرفت که به نعمان دروغ بگوید و از این طریق مقداری پول و لباس از او بگیرد.

تصویر 2. گیزی در حال دویدن در جاده

3. گیزی به نعمان دروغ گفت و مقداری پول و خلعتی گرفت. این کار او بسیار بد بود اما گیزی برای خودش بهانه های خوبی می آورد تا اشتباهش را توجیح کند، درست همانند انسان های امروزی. یک گناهکار معمولاً برای توجیح گناهانش از افسار دیگر گناهکاران استفاده می کند و یک باطلاقی از گناهان را بوجود می آورد. گیزی به نعمان گفت که دو مرد به دیدن الیشا آمدند و به همین دلیل پیامبر خود نظرش در مورد پس دادن هدایا تغییر کرد. نعمان که بسیار از اینکه خداوند او را شفا داده بود، شاد و خرسند بود به گیزی دو برابر از آنچه که می خواست پول داد! گیزی حيله گر بود و چیزهای بیشتری را برای خود می خواست، او از این طریق از الیشا، نعمان و خداوند سواستفاده کرد.

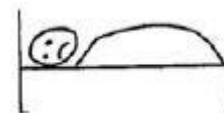
تصویر 3. یک ساک و یا یک کیف پر از پول



4. وقتی که گیزی هدایا و پول ها را دریافت کرد، به سمت خانه دوید تا آن ها را در خانه مخفی کند. او تصور می کرد که می تواند این موضوع را برای همیشه مخفی نگاه دارد و الیشا هرگز نخواهد فهمید. اما خداوند به الیشا کاری که گیزی انجام داده بود، را نشان داد. ما می توانیم مطمئن باشیم که خداوند همه اعمال و کارهای ما را می بیند، حتی اگر قلب ما پر از انگیزه های مختلف برای گناه کردن، باشد، خداوند نسبت به آن ها آگاهی دارد و بدانید که او هرگز با صحنه سازی های ما گول نمی خورد.

تصویر 4: یک خانه

5. حالا همه می دانند که گیزی چه گناهی را مرتکب شده است! پس خداوند گیزی را با جذام نعمان تنبیه کرد و او نیز مبتلا به جذام گردید. گیزی برای نعمان یا الیشا هر آنچه که برای خود می پسندید، را نخواست. آیا شما هم مانند الیشا با دیگران مهربان هستید؟ یا مانند گیزی چشمتان به دارایی های دیگران است تا زمانی از آن ها سواستفاده کنید؟



تصویر 5: یک مرد مریض خوابیده بر روی تخت
نظریه ها

در کلاس برای بچه ها دو مورد انتخابی مطرح کنید. این « نظریه ها » برای این است که بچه ها بتوانند بیشتر فکر کنند، شما دو مورد انتخابی پیش روی آن ها می گذارید البته به این شرط که احتمال صحت داشتن هر دو انتخاب بالا باشد، و آن ها را بین بچه ها مطرح کنید و از آن ها بخواهید که گزینه درست را پیدا کنند. همچنین می توانید از استیکرها برای نظرسنجی استفاده کنید. سعی کنید که جواب صحیح را به آن ها نشان ندهید بلکه آن ها را به فکر کردن بیشتر و پیدا کردن انتخاب درست تشویق کنید.

سوال: آیا کار گیزی در مورد اینکه به سراغ نعمان رفت و از او درخواست پول کرد، کار درستی بود؟

الف. به عنوان خدمتکار الیشا، گیزی کار بسیار اشتباهی کرد که در انتخاب الیشا دخالت کرد و اجازه نداد که خداوند اجر و پاداش شفای نعمان را بدهد. او نباید به دنبال نعمان می رفت.



رستوران گرمسیری (درس 3)

سکه های گیزی

مواد اولیه

- میان وعده های گرد مانند کوکی یا کلوچه
- دستمال سفره برای هر نفر

دستورالعمل:

- میان وعده خود را به شکل تلی از سکه دریاورید
- تظاهر کنید که گیزی هستید، شهوت پول داشته باشید و مقداری از سکه ها را برای خود بردارید.
- برای هر کودک یک دستمال سفره به همراه کوکی ها یا همان «سکه ها» قرار دهید.



بازی مارش (درس 3)

1. عبور از باتلاق

با استفاده از تعدادی لاستیک یا حلقه های بزرگ و قرار دادن آن ها بر روی زمین، باتلاقی فرضی ایجاد کنید. یک تمساح درون آن قرار دهید. در انتهای باتلاق با علامتهایی نقطه شروع و پایان بازی را مشخص کنید. قبل از شروع بازی گروه ها را به هیجان بیاورید و در آخر تیم برنده را تحسین کنید. یک گزینه اختیاری این است که یک گروه از بچه های کوچک تشکیل بدهید که کارشان حمل دانش آموزان زخمی از حمله تمساح باشد. در حین بازی مراقب عملکرد بچه ها باشید.

2. عبور از تار عنکبوت

صندلی ها را به گونه ای قرار دهید که تقریباً 4 فوت از هم فاصله داشته باشند. یک طناب را از پایه های جلویی یک صندلی به پایه های جلویی صندلی دیگر گره کنید به گونه ای که از سطح زمین 6 اینچ فاصله داشته باشد. از سه یا 4 صندلی برای ساخت تار عنکبوت استفاده کنید. با توجه به مهارتی که بچه ها دارند، می توانید تار عنکبوت را ساده و یا پیچیده تر درست کنید. نقطه شروع و پایان مسابقه را مشخص کنید و مسابقه را شروع کنید. بچه ها می بایست بدون دست زدن به تار عنکبوت از آن عبور کنند. گروه برنده یک امتیاز خواهد گرفت.



آبشاری از کاردستی ها (درس 3)

آویز درب میمونی

برای هر دانش آموز این موارد را پرینت گرفته و در اختیار آن ها قرار دهید:

- 1 پایه به عنوان قلاب در، 1 عدد بدن میمون و 2 عدد پا
- 5 عدد لوله پاک کن

1. به دانش آموزان آموزش دهید که طرح قلاب درب، میمون و پاهایش را بریده و آن را رنگآمیزی کنند،

2. به دانش آموزان نشان دهید که چگونه می توان با خم کردن یک لوله از آن به عنوان دم میمون استفاده کنید و آن را به بدن میمون چسب بزنند.

3. به دانش آموزان نشان دهید که چگونه ران ها را خم کنند و پاها را به آن چسب بزنند.

4. ران ها را به بدن میمون بچسبانید.

5. در این مرحله بازوها را خم کنید و آن ها را به بدن میمون و قلاب درب بچسبانید و آن را از هر جایی که می خواهید، آویزان کنید.



نتیجه گیری (درس 3)

مردم سعی می کنند که از یکدیگر سواستفاده کنند و از یکدیگر به شیوه ای نادرست بهره ببرند. اما ما نمی خواهیم که راه آن ها را پیش بگیریم و می خواهیم متفاوت عمل کنیم و از عیسی مسیح پیروی کنیم. این مهم نیست که دیگران چه رفتاری دارند، من باید تصمیم بگیرم که مهربان باشم، و چگونه با دیگران رفتار کنم که می پسندم با من رفتار کنند. اجازه دهید تا دانش آموزان بار دیگر پیام اصلی امروز را مرور کنند...

« من به سمت دیگران قدم برمی دارم امیدوارم که دیگران هم به سمت من قدم بردارند.»

درس 4

عیسی مسیح من را به عنوان عضوی از خانواده خود می پذیرد

پیام اصلی (درس 4)

زندگی ابدی در بهشت به من که فرزند خدا هستم، تعلق دارد.

درس کتاب مقدس (درس 4)

حمله مستقیم از هامان (استر)

مقدمه (درس 4)

دوباره به جمع ما خوش آمدید! داریم به پایان داستان «نجات یافتگان جنگل» نزدیک می شویم. آیا تیم ما توانست تمام چیزهایی را که دریافت کرده بود را انتقال دهد؟ این هفته تیم ما اقدام به انجام یک ماجراجویی در طول عمر زندگی خود نمود، اما آن ها هیچ ایده ای در مورد میزان سرگرم بودن آن نداشتند. چیزی به پایان نرسیده است اما من، امروز احساس خاصی دارم و فکر می کنم که امروز با روزهای دیگر متفاوت است. ما در این هفته دور هم جمع شدیم تا به جایگاه حقیقی خود در نزد سرورمان عیسی مسیح پی ببریم، اما امروز یک روز استثنایی است. امروز خواهیم دید که چگونه می توان عضوی از خانواده خداوند شد! عیسی مسیح ما را به عضوی از خانواده خود تبدیل می کند. در ادامه ماجراجویی های بوگلی، او تحت حمله قرار می گیرد و من مطمئن هستم که نجات خواهد یافت. سپس در مرحله بعد کتاب مقدس را باز خواهیم کرد و خواهیم دید که چگونه استر به فضل و رحمت خداوند در مقابل حملات هامان پیروز می شود. علاوه بر این یک ماکت می سازیم که می توانید آن را با خود به خانه ببرید و در زمان خوردن میان وعده تاج پادشاهی استر را خواهیم ساخت! استر از اینکه فهمید جزئی از خانواده خداوند است، خوشحال شد. اجازه دهید تا بار دیگر شعار امروز را تکرار کنیم: «زندگی ابدی در بهشت به من که فرزند خدا هستم، تعلق دارد.» در پایان روز نیز شما و من می توانیم مطمئن باشیم که جز نجات یافتگان از جنگل زندگی هستیم و همچنین فرصت پیوستن به خانواده خداوند را نیز خواهیم داشت.

حیوانات (درس 4)

ببر حمله می کند و گرگ کمک می کند



گروه ها (درس 4)

بهتر است هر تیم برای سخنرانی فردا خود را آماده کند. این سخنرانی می بایست به همراه تشویق، پرچم تزئینی و خوشامدگویی جمعیت باشد.

آیاتی از کتاب مقدس (درس 4)

«گوسفند من به صدای من گوش فرا می دهد، من آن ها را میشناسم و آن ها نیز از من پیروی می کنند. من به آن ها زندگی ابدی می دهم و آن ها هرگز نابود نخواهند شد؛ هیچ کس نمی تواند دستان آن ها را از من جدا کند.» یوحنا 10:27

28

نمایش (درس 4)

بار دیگر بوگلی از خواب بیدار می شود، به آرامی می نشیند، خستگی در می کند. بوگلی متوجه می شود که تمام لباس هایش به خاطر باران دیشب خیس شده

است. او نه! او می بایست سقف جیب را در شب می پوشاند. بعد از خوردن صبحانه مورد علاقه اش، یک ژاکت بارانی پوشید و همانطور که باران می بارید به سمت مدرسه جنگلی راه افتاد. بوگلی اگر می خواست که از مسیر همیشگی اش به مدرسه برود تا به آنجا برسد کاملاً خیس می شد، به همین دلیل از بچه ها در مورد مسیر دیگری که پوشیده از درخت بود و احتمال خیس شدن در آن کمتر بود، پرس و جو کرد. تنها مشکل مسیر دوم این بود که بر سر راه چند ببر قرار داشتند. بوگلی گوشی تلفن همراه خود را برداشت و آن را چک کرد و در فیس بوک دید که بله عکس هایی از این ببرها که در مسیر دوم قرار گرفته اند به انتشار گذاشته شده است. با این وجود بوگلی تصمیم گرفت که مسیر دوم را انتخاب کند. همانطور که وارد محدوده ببرها می شد، متوجه شده که او به دلیل اینکه در بدنش هیچ خطهای راه راهی وجود ندارد، کاملاً قابل شناسایی است. در همان موقع بود که یک ببر به سمت بوگلی پرید و غرش کرد. حمله مستقیم ببر، بوگلی را ترساند، به همین دلیل تصمیم گرفت تا مقداری لجن از باتلاق بردارد و بدن خود را با آن ها بپوشاند تا از این طریق کمتر قابل شناسایی باشد. در همین لحظه یک گرگ از گوشه ی جنگل ظاهر شد و بوگلی را با مقداری لجن بر روی بدنش، دید، به او گفت: «بوگلی، نیاز نیست احساس تنهایی کنی. نیاز نیست که بدن خود را با لجن بپوشانی، نیاز نیست که جزی از ببرها بشوی، زیرا عیسی مسیح تو را عضوی از خانواده خود کرده است!» بوگلی بدن خود را از لجن ها شست و او به کمک گرگ تصمیم گرفتند که از دست ببر فرار کنند. در همین لحظه بود که پاهای بوگلی در لجن ها گیر کرد، و نتوانست فرار کند. او به همراه گرگ برای چند لحظه تلاش کردند و سرانجام بوگلی توانست از آنجا رهایی یابد. وقتی که در راه مدرسه حرکت می کردند، گرگ به طور کامل برای بوگلی در مورد کمکی که عیسی مسیح در این رخداد کرده ، توضیح داد. همانطور که قدم می زدند، گرگ در مورد نحوه نجات دادن بوگلی توضیح داد و بوگلی نیز تشکر کرد و گفت: «پس من به عنوان فرزند خداوند، دارای زندگی ابدی در بهشت برین خواهم بود، عیسی مسیح من را عضوی از خانواده اش کرد.» و سرانجام نیز به موقع به مدرسه رسید.



کلاس غار (درس 4)

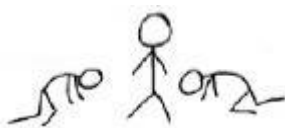
حمله مستقیم از سوی هامان (استر)

طبق روال همیشه با گفتن هر داستان از کتاب مقدس از دانش آموزان خواسته می شود تا تصاویر نشان داده شده را ترسیم کنند. سعی کنید تا تصاویر تا حد امکان ساده باشند تا دانش آموزان بتوانند به راحتی از آن ها کپی کنند.

1. ملکه وشتی به دلیل نافرمانی که در مقابل پادشاه جگریکس انجام داد از جایگاهش طرد شد. استر به عنوان جانشین ملکه انتخاب شد. او از پائینترین خانواده ها در قلمرو پادشاهی بود و تنها 14 سال سن داشت.



تصویر 1: استر را بکشید، یک پرنسس زیبا.



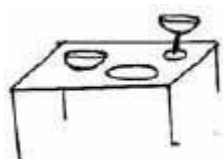
2. هامان، نخست وزیر پادشاه و یکی از مهمترین شخصیت ها در قلمروی بزرگ پادشاه بود. او بسیار به خودش افتخار می کرد به نحویکه پادشاه دستور داده بود که همه هنگامی که هامان را می بینند برایش تعظیم کنند. مردخای، یک مرد یهودی بود که در برابر

همان تعظیم نکرد زیرا معتقد بود فقط باید در مقابل خداوند تعظیم کرد. این کار مردخای بسیار همان را عصبانی کرد به گونه ای که دستور به قتل مرد یهوئی و همچنین تمام یهودی های شهر داد. او پادشاه را متقاعد کرد که آن را به عنوان یک قانون ثبت کند و همه یهودیان را مجازات کند. تصویر 2. مردم در برابر همان تعظیم می کردند.

3. بر همین اساس نیز خداوند به ما 10 فرمان داده است که باید از آن ها پیروی کنیم. اگر از این 10 فرمان پیروی نکنیم، بدین معنی است که می خواهیم توسط خداوند مجازات شویم. من و شما قادر به انجام دادن همه 10 فرمان به صورت همزمان نیستیم. تصویر 3. یک تابلو که بر روی آن یک قانون نوشته شده است.



4. استر 3 غذای ویژه برای پادشاه آماده کرد و با او در مورد خطری که او (استر) و تمام یهودیان را تهدید می کند، صحبت کرد. استر وقتی تصمیم گرفت که در این مورد با پادشاه صحبت کند، طعم مرگ را به جان خریده بود، اما شجاعت این ملکه جان مردم زیادی را از مرگ نجات داد. از دیدگاه استر، عیسی مسیح آمد تا راهی ایجاد کند که ما به خاطر گناهانمان مجازات نشویم، مسیح به خاطر ما و تمام آدم هایی که از فرمان ها سرپیچی کردند، جان خود را از دست.



تصویر 4: یک میز با یک وعده غذایی خاص بر روی آن

5. درست مانند استر، اگر می خواهید زنده بمانید، باید با خدا حرف بزنید، زیرا او پادشاه حقیقی است. شما همچنین می توانید به کمک ما و یا خودتان به تنهایی به مناجات و راز و نیاز با خداوند بپردازید. تصویر 5: تصویر خود را در کنار خانواده مسیحی تان ترسیم کنید.



«خدای عزیز، من می دانم که گناهکارم. می دانم که تو عیسی را فرستادی تا من را نجات دهد. او به صلیب کشیده شد تا جزای گناهان ما را بدهد. لطفاً من را ببخش و وارد زندگی ام شو و من را تغییر بده. لطفاً من را راهنمایی کن و به من کمک کن که تا آخر عمرم از تو پیروی کنم. از تو بابت اینکه من را نجات می دهی و من را به عنوان عضوی از خانواده ات می پذیری، سپاسگزارم. از تو به خاطر اینکه بعد از مرگ من را به بهشت خواهی برد، متشکرم. به نام عیسی. آمین.»

نظریه ها

در کلاس برای بچه ها دو مورد انتخابی مطرح کنید. این «نظریه ها» برای این است که بچه ها بتوانند بیشتر فکر کنند، شما دو مورد انتخابی پیش روی آن ها می گذارید البته به این شرط که احتمال صحت داشتن هر دو انتخاب بالا باشد، و آن ها را بین بچه ها مطرح کنید و از آن ها بخواهید که گزینه درست را پیدا کنند. همچنین می توانید از استیکرها برای نظرسنجی استفاده کنید. سعی کنید که جواب صحیح را به آن ها نشان ندهید بلکه آن ها را به فکر کردن بیشتر و پیدا کردن درست تشویق کنید.

سوال: آیا استر کار درستی انجام داد؟



الف. خوب است که نزد حاکم یک کشور بروی و بتوانی یک قانون را تغییر بدهید. مشکلی ندارد که از راهی برای پیروزی در این مسیر استفاده کنید، درست مانند کاری که استر انجام داد و برای پادشاه یک غذای مخصوص درست کرد.

ب. خوب است که قوانین را بپذیری و با آن ها زندگی کنی در حالی که اهمیتی هم به خروجی آن نمی دهید. نمی توان از مزه ی غذایی لذت برد ولی خود غذا را نقض کرد و در این مورد نمی توان قانون را تغییر داد.

ما در طول زندگی خود با تنش های مستقیم زیادی روبرو هستیم، درست مانند کاری که استر انجام داد. اما باید به اندازه ای اعتماد به نفس داشته باشیم که این تنش ها و حملات نتوانند به ما آسیب وارد کنند، زیرا ما همگی فرزندان خدا هستیم و زندگی ابدی در بهشت از آن ماست. «من به عنوان یکی از فرزندان خدا، لایق زندگی ابدی در بهشت هستم. عیسی مسیح من را به عنوان عضوی از خانواده اش پذیرفته است.»



در جستجوی کتاب مقدس (درس 4)

به رودخانه جایی که در آن با یک قایق چوبی به دنبال کتاب مقدس می گردیم، خوش آمدید. اجازه دهید تا همه بچه ها عنوان درس امروز، شعارها و آیه ها را تکرار کنند. کتاب های دانش آموزی را کنار بگذارید و از دانش آموزان بخواهید تا نشانه ها را دنبال کنند و سپس از آن ها بخواهد تا دو فعالیت گفت شده در کتاب را انجام دهند و صفحات مربوطه را رنگ آمیزی کنند.

پاسخ ها

دروس 4

عیسی مسیح من را به عنوان عضوی از خانواده خود می پذیرد
 + رنگی ابدی در بهشت به من که فرزند خدا هستم، تعلق دارد.

ن	ز	س	ج	ا	ب	پ	ت
د	ر	خ	ش	م	ز	ن	و
ک	خ	ن	س	ج	ا	ب	پ
ت	و	ز	ن	و	ز	ن	و
ن	ز	س	ج	ا	ب	پ	ت
د	ر	خ	ش	م	ز	ن	و
ک	خ	ن	س	ج	ا	ب	پ
ت	و	ز	ن	و	ز	ن	و
ن	ز	س	ج	ا	ب	پ	ت
د	ر	خ	ش	م	ز	ن	و
ک	خ	ن	س	ج	ا	ب	پ
ت	و	ز	ن	و	ز	ن	و

آیاتی از کتاب مقدس
 «گوسفند من به صدای من گوش فرا می دهد، من آن ها را میشناسم و آن ها نیز از من پیروی می کنند، من به آن ها رنگی ابدی می دهم و آن ها هرگز نمیرند. بفرموده خدا هیچ کس نمی تواند ستان آن ها را از من جدا کند.» یوحنا 10:27-28

آیاتی از کتاب مقدس
 «گوسفند من به صدای من گوش فرا می دهد، من آن ها را میشناسم و آن ها نیز از من پیروی می کنند، من به آن ها رنگی ابدی می دهم و آن ها هرگز نمیرند. بفرموده خدا هیچ کس نمی تواند ستان آن ها را از من جدا کند.» یوحنا 10:27-28

(در کتاب راهنمای متوسط ممکن است از پاسخ های ساده و یا دشوار استفاده شده باشد.)



رستوران گرمسیری (درس 4) تاج استر

مورد اول:

مواد لازم:

- لیوان کاغذی
- مقداری میان وعده برای پر کردن لیوان ها مانند: چیپس، پفک، میوه، کوکی ها

دستورالعمل:

- قسمت بالایی لیوان ها را به شکل تاج ببرید
- ایده: به کودکان اجازه دهید که لیوان ها را رنگ کنند یا قبل از اینکه میان وعده ها را در آن بریزید، آن ها را تزئین کنند.

مورد دوم: هندوانه ها را به شکل تاج ببرید.

مواد اولیه:

- تعدادی بشقاب به اندازه تعداد دانش آموزان
- میوه های آماده: هر میوه ای که در مکان زندگی شما پیدا می شود
- ایده ها: هندوانه، طالبی، موز، انگور، هلو، زغال اخته، بلوبری، توت فرنگی، آناناس

دستورالعمل:

- هندوانه را ببرید و داخل آن را خالی کنید. از میوه ها و میان وعده هایی که دارید، داخل هندوانه را پر کنید. یک برش کوچک در قسمت زیرین هندوانه بزنید تا مطمئن شوید که هندوانه به درستی بر روی میز قرار می گیرد و نمی افتد.
- داخل هندوانه را با میوه های مورد نظر خود پر کنید.



بازی های مارش (درس 4)

1. عبور از غار

برای این بازی، نیاز به تعدادی کیسه پلاستیکی، روزنامه و نوار چسب دارید. کیسه های پلاستیکی را به طولی که می خواهید مسابقه بدهید، بچسبانید و یک تونل ایجاد کنید. به تعداد گروه ها، تونل های مختلف ایجاد کنید.

هر تیم وارد غار یا تونل خود شود و در امتداد آن حرکت کند تا به انتها برسد. اولین تیمی که بتواند به طور کامل از تونل عبور کند، برنده خواهد شد.

برای جذاب تر شدن بازی می توانید تعدادی سنگ و درخت مصنوعی ایجاد کنید و در طول غار قرار دهید.

2. برگ بازی

در این بازی، هر کدام از بچه ها به یک عدد برگ درخت و یک عدد نی نیاز دارند. برای هر تیم بر روی زمین یک قسمت را مشخص کنید و اعضای تیم برگ های خود را در آن قسمت قرار دهند، هر تیم باید بداند که چند برگ داشته

اند. با صدای زنگ بازی شروع می شود، تمامی گروه ها باید برگ های خود را به آسمان پرتاب کنند و با نی زیر برگ را فوت کنند تا مانع افتادن آن بشوند و از نقطه شروع تا نقطه پایان حرکت کنند. خیلی از برگ ها ممکن است به سمت تیم رقیب برود، بنابراین بچه ها باید از اینکه تمامی برگه ها در قسمت مشخص هر گروه منتقل شده اند، اطمینان حاصل کنند. تیمی که بتواند بیشترین تعداد برگ را در داخل قسمت مربوط به خودش قرار دهد، تیم برنده خواهد بود.



آبشار کاردستی ها (درس 4)

قالب عکس ببری

برای هر دانش آموز این موارد را پرینت کنید:

1 عدد سر ببر که به شکل قالب عکس درآمده است

2 سری دندان

2 عدد چشم

دانش آموزان را راهنمایی کنید تا سر ببر را با توجه به الگو ببرند و آن را رنگ آمیزی کنند. چشمان سیاه ببر را در قسمت مربوطه بچسبانید. در آخر نیز، دندان ها را از پشت به قالب بچسبانید. اگر می توانستید، یک عکس بگیرید، آن را پرینت کنید و آن را در قسمت دهان ببر قرار دهید، در این صورت قالب عکس ببری ما آماده خواهد بود.



نتیجه گیری (درس 4)

در جنگل «زندگی» مردم دائما در حال مبارزه و حمله به یکدیگر هستند، درست مانند کاری که هامان با استر کرد. اما اگر بدانیم که عضوی از خانواده خداوند هستیم، دیگر جای هیچگونه ترس و واهمه نمی ماند. هر وقت دیگران خواستند تظاهر کنند که در کنارت هستند، بدان که تو عیسی مسیح را داری! در حقیقت، همه شماهایی که امروز با ما به مناجات خداوند پرداختید، عضوی از خانواده خداوند هستید. در کتاب مقدس آمده است که وقتی ما به خدا تعلق داریم، هیچ کس نمی تواند دستان ما را از او جدا کند. پس بیایید بار دیگر باهم پیام امروز را مرور کنیم: «زندگی ابدی در بهشت به من که فرزند خدا هستم، تعلق دارد.»

درس 5

عیسی مسیح به من شجاعت می دهد

پیام اصلی (درس 5)

من می توانم بر ترس غلبه کنم حتی زمانی که همه چیز غیرممکن به نظر می رسد.

درس کتاب مقدس (درس 5)

گلیات تهدید می کند (1 ساموئل 17)

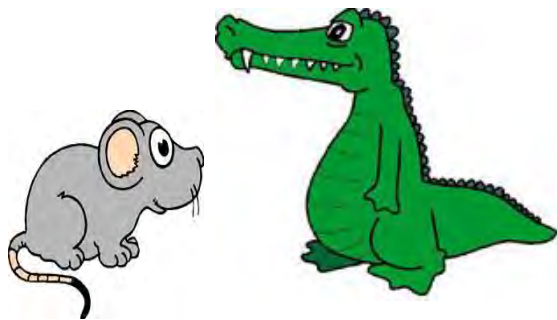
مقدمه (درس 5)

ما برای پایان فصل «نجات یافتگان جنگل» آماده هستیم. همه اینجا حضور دارند، از بوگلی و حیوانات گرفته تا همه اعضای گروه ها. دوباره برگشتیم تا روز آخر را در کنار هم باشیم و به نتیجه گیری نهایی این فصل هیجان انگیز برسیم. به نظر خودتان توانستید به نتیجه مطلوب برسید؟ البته که بله. به شبکه اجتماعی توییتر ما بپیوندید و پست های خود را با هشتگ به اشتراک بگذارید تا از این طریق به ما این امکان را بدهید که از نقطه نظرات شما باخبر شویم. امروز روز هیجان انگیز و سرگرم کننده ای خواهد شد! هر روز من و شما با ترس های اطرافمان روبرو می شویم، با تکیه بر عیسی مسیح، می توانیم بر همه ترس ها غلبه کنیم. (آیه ای که از کتاب مقدس امروز معرفی می کنید: یوشع 2:1). خب، اجازه دهید تا هر چه سریعتر امروز را شروع کنیم... می توانید بار دیگر نمایش بوگلی را ببینید، درباره دیوید و گلیات بیاموزید و سرگرمی هایی همچون خوردن میان وعده، انجام کاردستی و بازی های مختلف را تجربه کرد!

اجازه دهید بار دیگر پیام اصلی امروز را مرور کنیم، «من می توانم بر ترس غلبه کنم حتی زمانی که همه چیز غیرممکن به نظر می رسد.» در پایان روز، من و شما می توانیم اطمینان داشته باشیم که از جنگل زندگی پیروز بیرون خواهیم آمد، وقتی که بدانیم عیسی مسیح به ما شجاعت خواهد داد.

حیوانات (درس 5)

تمساح تهدید می کند و موش کمک می کند.



گروه ها (درس 5)

هر گروه می تواند کارهای تزئینی و خوشامدگویی کل گروه را انجام دهد، در آخر گروه ها را با یکدیگر مقایسه کنید و گروه برنده را مشخص کنید.

آیه کتاب مقدس (درس 5)

«آیا می خواهید شما را نصیحت کنم؟ قوی و شجاع باشید، هرگز ترس را به درون خود راه ندهید. زیرا پروردگار شما در همه جا در کنار شماست.» یوشع 9:1

نمایش (درس 5)

رینگ، رینگ، رینگ... و باز هم صدای زنگ ساعت بوگلی که درون جیب در خواب به سر می برد، به گوش می رسد، اما او تکانی می خورد و صدای زنگ ساعت را قطع می کند. پس از آن تلفن همراهش زنگ می خورد و از خواب می پرد و از جیب

بیرون می آید. دوست او، موش، پشت خط است و از او می پرسد که آیا برای رفتن به مدرسه می تواند به او کمک کند. بوگلی می پذیرد، اما باید عجله کند زیرا قبل از اینکه به دنبال دوست موش اش برود می بایست صبحانه موردعلاقه اش را به طور کامل بخورد و اگر عجله نکند، ممکن است هر دو دیر به مدرسه برسند. وقتی بوگلی رسید، موش با دیدن بوگلی کیکی که در دست داشت را به صورت بوگلی مالید و او را سورپرایز کرد، آن ها شروع کردن به خندیدن و سپس صورت بوگلی را تمیز کردند. بعد به راه افتادند و در مسیر با یکدیگر آواز می خواندند تا اینکه به یک باتلاق رسیدند، اوه نههههه! چگونه از این باتلاق عبور کنیم؟ آن ها یک قایق چوبی پیدا کردند، بر روی آن سوار شدند و شروع کردند به پارو زدن. ناگهان یک صدای غرش ضعیفی را شنیدند و نگاه کردند تا ببینند این صدا برای چه حیوانی بوده است که متوجه شدند... صدای یک... **تمساح** است! موش از بوگلی خواست که نترسد و شجاع باشد. تمساح همانطور که بوگلی و موش به سرعت در حال پارو زدن بود، سعی می کرد تا آن ها را شکار کند. موش و بوگلی هر دو باهم فریاد زدند... **من می ترسم!**... تمساح نزدیک و نزدیکتر می شد و بوگلی متوجه شد که تقریباً غیر ممکن است که بتوانند قبل از اینکه تمساح آن ها را بگیرد به آن سمت باتلاق برسند. بوگلی کاملاً فراموش کرده بود که برای رسیدن به مدرسه دیرش شده است و فقط نگران این بود که قرار است امروز غذای یک تمساح بزرگ شود! موش تلاش می کرد تا به بوگلی یادآوری کند که شجاع باشد، اما بوگلی به خاطر جیغ و فریادهایی که می کشید نمی توانست صدای موش را بشنود. در نهایت بوگلی یاد دوستش، خرس، افتاد! گوشی اش را برداشت و برای خرس پیغامی ارسال کرد. تمساح نزدیک و نزدیکتر می شد و چیزی نمانده بود که قایق چوبی طعمه آرواره های قوی اش شود. در همین لحظه بود که خرس آن سوی باتلاق ظاهر شد و غرش بسیار بلندی سر داد به طوریکه کل باتلاق را تکان داد!! تمساح ترسید و برگشت. همه از خوشحالی فریاد زدند زیرا اتفاق غیرممکنی رخ داده بود!!!! بوگلی فریاد زد، «من توانستم بر ترسم غلبه کنم حتی در زمانی که به نظر غیرممکن می رسید!!!! عیسی مسیح به من شجاعت داد!» آن ها به سلامت به آن سوی باتلاق رسیدند و با یکدیگر یک عکس سلفی گرفتند و با عجله به سمت مدرسه راه افتادند. بوگلی مطمئن بود که دیگر امروز حتماً دیرشان خواهد شد، اما باز هم توانستند به موقع خود را به مدرسه برسانند، درست قبل از اینکه زنگ مدرسه به صدا در بیاید. بوگلی با وجود اینکه خیلی زمان ها دچار مشکل و ضعف شد اما توانست در کل هفته خود را به موقع به مدرسه برساند... من می توانم بر ترسم غلبه کنم حتی در شرایطی که غیر ممکن است. عیسی مسیح به من شجاعت می بخشد! بوگلی آن شب را قبل از اینکه برای خواب به سمت چپ خود برود، جشن گرفت.



کلاس غار (درس 5)

گالیات تهدید می کند (1 ساموئل 17)

همانطور که در هر بخش کتاب مقدس را می خوانید، از دانش آموزان بخواهید که به نقاشی تصاویر بپردازند، نقاشی ها را تا حد امکان ساده در نظر بگیرید، بنابراین دانش آموزان شما میتوانند به راحتی از آن ها کپی کنند.

1. دیوید پسر جوانی بود که 7 برادر بزرگتر از خود داشت. پدرش او را مسئول گله گوسفندان کرده بود و روزی از او خواست تا به میدان نبرد جایی که 3 برادر بزرگترش برای ارتش سائل کار می کردند، برود و برای آن ها مقداری غذا ببرد و همچنین به عنوان هدیه برای فرمانده ارتش نیز 10 عدد پنیر ببرد. تصویر 1: یک کوله پشتی پر از نان، پنیر و غذا



2. گلیات مرد بلند قدی بود (3 متر و 9'9") و قهرمان ارتش فلسطین به شمار می آمد. او همه را تهدید می کرد و کل ارتش اسرائیل از او می ترسیدند. فلسطینی ها به جای اینکه از دو ارتش کامل برای کشتن تعداد زیادی سرباز دشمن استفاده کنند، ترجیح می دادند که از یک نفر و آن هم از گلیات در مقابل دشمن استفاده کنند. شخصی که در جنگ پیروز می شد، صاحب کل کشور دشمن محسوب می گردید.



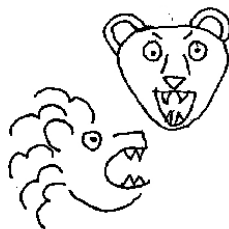
تصویر 2: یک سرباز وحشت زده

3. زمانی که دیوید وسایلی که پدرش داده بود را به برادران و پادشاه تحویل داد، صدای داد و فریادی از گلیات به گوشش رسید. دیوید از گلیات نمی ترسید زیرا می دانست که خدا حامی ارتش اسرائیل است. دیوید اظهار داشت که می خواهد به ارتش مقابل گلیات بپیوندد و با او به مبارزه بپردازد. وقتی که سائل این پیشنهاد شجاعانه را شنید، دیوید را صدا زد. او به دیوید گفت که بسیار کوچکتر و جوانتر از آن است که بخواهد در برابر گلیات پیروز شود. او همچنین متذکر شد که گلیات سال ها به عنوان سرباز ارتش به خدمات مشغول بوده در حالیکه تو حتی آموزش کافی را نیز ندیده ای.



تصویر 3: پادشاه سائل

4. دیوید می بایست پادشاه سائل را متقاعد کند که شجاع است و از چیزی واهمه ای ندارد. او برای پادشاه درباره ی کشتن یک خرس و یک شیر توسط خودش صحبت کرد زیرا این دو حیوان سعی در گرفتن یک بره از گله او را داشتند. اما مهمترین استدلالی که دیوید داشت این بود که: «خداوند من را از پنجه شیر و از پنجه خرس نجات داد، پس او نیز من را از شر آسیب های فلسطین نیز نجات خواهد داد.» او مطمئن بود حتی اگر غیرممکن به نظر برسد. زیرا او می دانست که خدا در کنارش است. ما هم می توانیم حتی در شرایط غیرممکن شجاع باشیم زیرا خدا با ماست!.



تصویر 4: یک شیر و یک خرس

5. پادشاه سائول تصمیم گرفت که دیوید بر علیه گلیات به جنگ برود. او به دیوید بهترین ارتش، کلاه و سلاح خود را اعطا کرد. این وسایل آنقدر سنگین بودند که دیوید قادر نبود با تمامی آنها راه برود. بنابراین تصمیم گرفت که از تمامی تجهیزات جنگ استفاده نکند بلکه از وسایلی استفاده کند که در هنگام گله داری با خود حمل می کند. او می دانست که اگر در این جنگ پیروز شود، پیروزی از آن خداوند خواهد بود و تجهیزات جنگی اهمیتی ندارد. او تیرکمانش و به همراه 5 سنگ برداشت و به جنگ گلیات رفت. اولین ضربه ی او به سر گلیات برخورد کرد و او مرد. دیوید شجاع بود زیرا خداوند در کنارش حضور داشت و همه چیز برایش ممکن می شد.



تصویر 5: تیرکمان و 5 سنگ

نظریه ها

در کلاس برای بچه ها دو مورد انتخابی مطرح کنید. این « نظریه ها» برای این است که بچه ها بتوانند بیشتر فکر کنند، شما دو مورد انتخابی پیش روی آن ها می گذارید البته به این شرط که احتمال صحت داشتن هر دو انتخاب بالا باشد، و آن ها را بین بچه ها مطرح کنید و از آن ها بخواهید که گزینه درست را پیدا کنند. همچنین می توانید از استیکرها برای نظرسنجی استفاده کنید. سعی کنید که جواب صحیح را به آن ها نشان ندهید بلکه آن ها را به فکر کردن بیشتر و پیدا کردن انتخاب درست تشویق کنید.

سوال: آیا داوطلب شدن دیوید برای جنگ با گلیات کار هوشمندانه ای بود؟

الف) دیوید نباید داوطلبانه و به تنهایی به جنگ با گلیات می رفت. او به اندازه ی کافی در برابر گلیات قوی نبود و ممکن بود در جنگ شکست بخورد و اسیر فلسطینی ها شود. ریسک کار او بسیار بالا بود.
ب) دیوید می دانست که قدرت، اندازه، سن و تجربه اهمیتی ندارد زیرا این جنگ متعلق به خداوند است. او حق داشت که داوطلب شود زیرا هیچ سربازی اینکار را نمیکرد.

در زندگی حقیقی من، آدم های زیادی سعی در تشویق و یا تهدید من دارند درست همانند کاری که گلیات با دیوید کرد. « من می توانم بر ترسم غلبه کنم حتی زمانی که همه چیز غیرممکن به نظر می رسد». عیسی مسیح به من شجاعت می بخشد.



در جستجوی کتاب مقدس (درس 5)

به رودخانه جایی که در آن با یک قایق چوبی به دنبال کتاب مقدس می گردیم، خوش آمدید. اجازه دهید تا همه بچه ها عنوان درس امروز، شعارها و آیه ها را تکرار کنند. کتاب های دانش آموزی را کنار بگذارید و از دانش آموزان بخواهید تا نشانه ها را دنبال کنند و سپس از آن ها بخواهد تا دو فعالیت گفت شده در کتاب را انجام دهند و صفحات مربوطه را رنگ آمیزی کنند.



بازی مارش (درس 5).

1. بازی با خانه ی فیل

گروه های متشکل از 5 دانش آموز تشکیل دهید. هر 4 دانش آموز، نفر 5 ام را (فیل) حمل می کنند. از میوه هایی مانند نارنگی و یا پرتقال به عنوان شکم فیل استفاده کنید. بدون اینکه میوه ها به زمین بیافتن به سمت خط پایان حرکت کنید. اگر میوه ای به زمین بیافتد آن تیم می بازد. اولین تیمی که بتواند بدون انداختن هیچ میوه ای به خط پایان برسد، برنده است.

2. بازی حمل آب به شهر

با کمک دانش آموزان دو خط طولانی ایجاد کنید. به هر دانش آموز یک عدد ظرف پلاستیکی خالی دهید. ظرف اولین دانش آموز را از آب پر کنید و از او بخواهید که آب را درون ظرف دانش آموز کناریش بریزد بدون آنکه هیچ آبی هدر رود. و همینطور این روند به ترتیب تا پایان خط ادامه یابد. تیمی که بتواند بیشترین آب را به نفر آخر برساند، برنده است.



آبشار کاردستی ها (درس 5).

ماسک تمساح

این موارد را پرینت گرفته و به هر دانش آموز بدهید:

- 1 عدد ماسک تمساح
- 1 سری دندان تمساح
- 50 سانتی متر ربان
- 2 عدد چشم

1. از دانش آموزان بخواهید که ماسک را قیچی کرده و آن را رنگ آمیزی کنند. (معلم می تواند دو طرف ماسک را پانچ کرده و ربان را از آن رد کنند. اما در نظر داشته باشند که سوراخ پانچ به کناره های ماسک خیلی نزدیک نباشد تا از امکان پاره شدن آن جلوگیری شود.



2. به دانش آموزان نشان دهید که چگونه می توانند چشم های بزرگ را در پشت ماسک بچسبانند.

3. در قدم بعدی، دندان های تمساح را به پشت ماسک بچسبانید. به آرامی کمی به دندان ها فرم موج دار دهید.

4. در آخر ربان را به دو طرف ماسک گره زده و با توجه به اندازه ی سر هر دانش آموز آن را تنظیم کنید.



نتیجه گیری (درس 5)

مردم سعی می کنند که در زندگی روزمره همدیگر را بترسانند. درست همانطور که گلیات بندگان خدا را تهدید می کرد و می ترساند و همانطور که بوگلی، امروز توسط تمساح مورد تهدید واقع شد. اما میتوانیم همانند دیوید به سرورمان عیسی مسیح ایمان آورده و شجاع و قدرتمند باشیم. همانطور که در آیات کتاب مقدس آمده است اگر بدانیم خداوند همه جا در کنار ماست، شجاع و قوی خواهیم بود. پس بیایید بار دیگر پیام امروز را باهم مرور کنیم «من بر ترسم غلبه خواهم کرد حتی اگر غیر ممکن به نظر آید».

از اینکه در این هفته به جمع «نجات یافتگان جنگل»، جایی که توانستیم بر ترس ها، گناهان و تهدید ها غلبه کنیم و سرشار از شجاعت، مهربانی و قدرت شویم، پیوستید، سپاسگزاریم. ما توانستیم با این روش، فضایی سرگرم کننده ایجاد کنیم و در عین حال به جایگاهمان در نزد عیسی مسیح پی ببریم. هر کدام از ما خانه هایمان را رها کردیم، به کلیسا آمدیم و به این گروه پیوستیم تا بتوانیم بدون شد در زندگیمان تغییر و تحولی ایجاد کنیم. از اینکه این هفته را با ما سپری کردید سپاس گزاریم و امیدواریم که در فصل جدید «نجات یافتگان جنگل» شما را ببینیم.

You were expecting just a fun way to teach kids.



"WE USED TO HAVE 5 KIDS COMING TO SUNDAY SCHOOL," said the children's ministry director of a church in Delhi after just 1 month using Champions Sunday school. "Now we have 25 children regularly! The rich children used to snub the poor children, but now they mingle together. They even help each other solve the puzzles!"

"BUT I DO THE SAME THING, TOO..." a little girl in Mexico said with a sigh. She was looking at herself with a little pocket mirror she made out of tin foil in Sunday school. "...So I can't judge that girl for gossiping." After putting the little mirror back into her pocket, she went to another girl she had gossiped about and apologized for it!

Use our syllabus and discover surprising spiritual growth in your students!

Join over 100,000 churches from 20 countries and download life-changing curriculum from www.ChildrenAreImportant.com.

